

اتحاد صامن امیت عوام لندن است و یقین است
این اتحاد هماره برقرار خواهد ماند

(۲۴ شوال - ۱۰ نومبر)

§ (مسز مونک) اظهار داشت که حالت مالیه
کمبدا امروز مقدی آن نیست که تحمل مصارف
دسته جہازات جنگی را به ماید و جہاز زودہ‌بوش
او برای سلطنت رسود است و بملاحظه این دسته
جہازات جنگی کمبدا دوجہر کشمکش دول اروپا
خواهد گردید

(۲۵ شوال - ۱۱ نومبر)

§ بموجب تلگراف (واشنگتن) افسران قشون
ری و بحری عنقریب در یک نقطه جمع خواهندشد
که در ماده استحکامات آبیای (بناما) تور و مشورہ
نموده رأی خود را مام دارند

§ دول اربعمہ محافظین جزیرہ کریٹ بیابالی جواب
داد، اند ولی تاکنون مطلب مام نگردیده است -
مابعالی بدول مذکورہ نوشته بود کہ مسئله کریٹ
باید تورا تصیہ شود مناقشہ الحاق با یونان برای
ہمیشہ مرتفع گردد، چنان تصور می شود دول
مشارالہم این موقع را برای بحث درین موضوع
مناسب تصور ننمایند، در اسلامبول چنان شہرت
یافته کہ وزرا این خط را بدول از فشار مجلس ملی
نوشته اند

(۲۶ شوال - ۱۲ نومبر)

§ در بودایت انجمن عظیم تشکیل و مسائل
ذیل با یکصد و بیست رأی درمقابل هفتاد و چہار
رای تصیہ یافت، وزارت اختصاصی نباشد وقانون
برای انتخاب عمومی جاری شود و بنک ملی دائر
گردد (میو کویت) مخالفت نمود و خویشتن را
ازین جماعت خارج ساخت

§ شروطی را کہ معاوین بودجه میخواستند در
مجلس اعیان انگلستان پیش نمایند خیلی سخت و بزرگ
تصور می شود و چنان می بندارند کہ بعد از پیش
شدن شروط بدون بحث و اسکار مجلس اعیان بودجه
را امضا خواهد داشت و خواهد فرستاد در پارلمان
و خواہش خواهند کرد کہ پارلمان رأی خود را
بر آن بودجه ظاہر نہ نماید تا وقتی کہ رأی عموم
ملت گرفته نشود

§ پادشاہ برتکیس رسماً در مدیری و باریس و
لندن بگردس وسناحت خواهد رفت، دولت اسپانیا
و مدیری برای محافظہ پادشاہ برتکیس کمال انتظام
را نموده است

§ سفیر آمار صمن بطاق خود در مدرسه حکمت
طیبی (فیلید ایہ) اظهار داشته کہ مساک آلمان
در خارجہ ہمانا ترقی تجارت است و بطمع توسعه
مملکت نیست چنانچہ در مسئلہ چین آلمان اول
دولتی است کہ ما امریکا ہمارا گردید کہ ولو نقصان
آلمان ہم باشد، مساک او این خواهد بود کہ تجارت
بطریق عموم جاری شود، برق آلمان کہ در امتزاز
است معی آن این است کہ تجارت آزاد باشد نہ
ایسکہ بگرانی ار دریا نماید، دولت آلمان را
یقین کامل حاصل شدہ کہ درروی کرہ ارض جائیکہ
دول معطہ بتواند مستملکات خود قرار دهند
باقی نماندہ است

§ پادشاہ برتکیس در کالسکہ پادشاہ اسپانیا نشسته
توام بہارت سلطنتی رفتند

§ بحسب تلگراف رؤم مرض پادشاہ حبش را
تخمیم نمودار است

(۲۳ شوال - ۹ نومبر)

§ وزارت (اتاویہ) مصمم گردیدہ کہ یک قانون
بحری امسال در مجلس ملی پیش سکہ سہ جہاز
کروزائر درجہ دوم و چہار کشتی موشک آمادہ ماید
§ مستراسکویب رئیس الوزرای انگلستان در تقریر
خود بیان کرد کہ نسبت بسال گذشتہ اوضاع پلتیکی ما
ما خارجہ خیل سا، اسب و ہیج گویہ خیلی در اتحاد
ما و آلمان پیش نیامدہ و مدیرین دولتین سایی در
ترقی اتحاد اند - دولت بلژیک اعلانی را سکہ
تاریکی من باب (کانگو) دادہ است امید بہبودی
میرود ولی الحاق کانگو تا وقتی کہ بلژیک کاملاً انتظام
نہ نماید تصدیق نخواہد شد - شورای اتحاد جنوب
افریقا اثرات نیک بخشیدہ، مستراسکویت در آخر
بطق خود من باب قتل (برنسایتو) ژاپونی کمال
ہمدردی اظهار داشت و گفت نام (برنسایتو) در
ژاپون ہمارہ بہ (معار ملت) یادگار خواهد ماند
§ سیر ژاپون اظهار داشت سکہ اتحاد دولتین
ژاپون و انگلیس خیلی جاہ مسرت است و این

(حل المتین کلکے)

(مدیکل کالج استریت نمبر ۴)

HABIBUL KAVIN OFFICE
1, MEDICAL COLLEGE STREET
CALCUTTA

(کلیه امور اداره با)

(مدیر کل مؤیدالاسلام است)

(هر دوشنبه طبع)

(پوشه شنبه توزیع میشود)

(یوم دوشنبه)

(۸ ذی‌قعدة ۱۳۲۷ هجری)

﴿ولا حق اخذ ابرته بدون قبض نداشتند و تالوق﴾

(مشترکین را قبض مخصوص سال هفدهم دست نیا شد)

(ذمه آنان به شناخته میشود)

﴿نامه مقدسه﴾

(قیمت اشتراك)

(سالانه — شش ماهه)

(هند و برمه)

(۱۲ روپه — ۷ روپه)

(ایران و افغانستان)

(۴۰ قران — ۲۰ قران)

(عمانی و مصر)

(۵ مجیدی — ۳ مجیدی)

(اروپا و چین)

(۳۰ فرنک — ۱۶ فرنک)

سنه ۱۳۱۱

المتین

﴿تلگراف مخصوص از طهران به بوشهر﴾
(غره ذی‌قعدة)

از يك هفته قبل از افتتاح مجلس تدارك جشن و چراغانی و آئین بندی شده بود تصیرات بهارستان تام و پارلمان مانند دسته گل آراسته و بجمع بلاد هم اطلاع داده که تهیه جشن و چراغانی به پند اهالی طهران از سكزت مسرت در پوست خود نمی‌گنجیدند هیچ عیدی باین عظمت و احتشام گرفته نشده بود

چهار ساعت قبل در حائیکه علماء وزراء ، شامزادگان ، وكلا ، اعیان ، تجار و رؤسای اصناف صنف بسته مقام احترام بودند و تماشای از هر طبقه اعم از خارجه وداخه باندازه سكه از چیز احصا خارج و وجد و طرب از كوچه و بازار شهر و در و دیوار بهارستان مترشح بود اعلیحضرت شاهنشاه معصوم جوان‌بخت سلطان احمد شاه گردونه سوار حشمت و اجلال گردیده برای رسم گشاد پارلمان با شوکت دارائی و سطوت نوشیروانی با سوار و پیاده زیاد در صورتیکه حضرت اشرف عضدالملک نایب‌السلطنه منظم ركب خسروانی بود بجانب بهارستان رهسپار گردیدند، هر كوچه و خیابان که موکب خسروانه میکذشت صدای اهالی به‌سربلند باد شاهنشاه مشروطه خواه ، یانده باد مجلس مقدس شوری ، زنده باد سرداران ملی بلند میگردد، همسكه گردونه شاهنشاهی وارد بهارستان شد صدای زنده باد شاهنشاه مشروطه خواه مسامع کروییان را کر ساخت

پس سپه‌دار اعظم از جانب سنی‌الخراب شاهنشاهی

خطابه در رسم گشاد پارلمان که متضمن بسیاری از نکات سیاسی بود قرائت فرمود، که من جمله اشلاف و اتحاد با دول متحابه و امنیت بلدان و آرای مملکت و تشکر از دول همجوار وضماً فرمودند فقط لکه که از زشت کرداری گذشتگان بر چهره زیبای مملکت باقی مانده همانا موجودکی قلبی از قشون خارجه است که عنقریب آنها هم ترك ایران خواهند گفت

﴿تلگراف از طهران بکلکے﴾

(سوم ذی‌قعدة - ۱۷ نومبر)

از جمیع بلاد ایران حتی از قصبات و دهات و ایلات و ایرانیان خارجه تلگرافات تبریک بمجلس ملی رسید

﴿ایضاً﴾

(۵ ذی‌قعدة - ۱۹ نومبر)

غالب دول متحابه و بیشتر پارلمانهای ملل افتتاح پارلمان را تبریک نمودند

﴿حل المتین﴾

شك نیست که با آن همه جانفشانیهای شهدای وطن و سربازهای احرار ایران و غلبه بر مستبد اعظم و خلع و طرد او امروز بالاترین اعیان ملیه ایرانیان بشمار است و جای دارد امروز نام ایران را بحریت و استقلال توأم یاد نمایم ولی ما مانند آن عاشقی که در عین وصال معشوق از یخ فراق میگریست در علق و اضطرابیم
(بچه دلیل)

بدلیل اینکه از یکسال واندی قبل هر بی‌اعتدالی که در مملکت بروز می‌نمود از انهدام مجلس گفته هر

قتل و غارت هر خونریزی و اغتشاش که پیش می آمد دفع و رفض را محول بانقاد مجلس نمودیم و همین که معترضین واقعات ناگوار دوره اول مجلس را پیش نهاد ما میکردند جواب میدادیم محل و عطلی مانند محمدعلی درکار و عراده مجلس هماره بنگهاییکه در جلو مشروطیت می اداخت از گردش اوتساده بود مؤسس پارتمن ای مجلس را محمدعلی و سازش رخی وکلا را بر علیه مشروطیت از او می گفتیم اغتشاشات بلاد و نا امنی طری را از او می نمودیم ، وزرا را طرفدار او گفته الزام با ما میدادیم

حالا محمدعلی رفته و موالی که در عدم پیشرفت مجلس در دوره اولیه بیان میکردیم تمام مرتفع شده شاه معصوم ، نایب السلطنه بی تصرف ، وزراء مشروطه خواه و مسئول و مطیع مجلس و مؤسس مشروطیت کنونی ، اقتدار مجلس بحد کمال ، با این جمعیت اسباب که در پیشرفت مشروطیت ایران موجود است اگر خدای ما خواسته کار به منوال اولیه گذرد بکه الزام دهم ، و بجواب معترضین چه گوایم ، با این خلش های کوی بنفاد لا یتسوا من روح الله امیدواریم دوباره چنین موقعی پیش نیاید و اعتراضاتیم که دشمنان در عیاب مجلس بکاینکه کنونی داده و میدهند مرتفع گردد و این روز اول روز فیروزی ایران باشد ، پس با یک دنیا امیدواری که بدرستکاری و صداقت و دیانت و وطن خواهی وکلای این دوره مجلس داریم مواد دیل را بر سیل احسار تدکر خاطر شان می نمایم

(۱) رای رضای خدا یا بملاحظه حفظ استقلال وطن درین موقع بسیار نازک پیرامون شهرت ملی که نتیجه آن یارتی بازی است نگردند و موقع کنونی ایران را مد نظر گرفته از اختلاف بهر هیزند و بدانند که امروزه اختلاف وکلا دای بر بزرگترین انقلابات است که نتیجه آن محو استقلال ایران میباشد ، البته وکلا میدانند امروزه موقع آنها از دوره اولیه نازکتر است قشون سه دولت در خاک وطن عزیز شان موجود و هر ساعت هم به بهانه جوئی مشغول اند ، دستهای مفسدین درکار اداختن افساد ، تمام مملکت در کار اغتشاش و اضطراب و سکوت و آرامی بعضی نقاط هم بجران است ، خام طمعان و خود عرضان بخیالات دور و دراز موجود ، اگر آنوقت یک محمدعلی بود امروز محمدعلی ها در کین فرصت آمد ، خارجه را این جرئت و جسارت نبود که بمجرد بلند شدن یک آواز اغتشاش از شهری بدون چون و چرا سوق عسکر بدانجا دهند ، مردم ایران

خسته و مأیوس از مجلس نشده بودند فقط در مقابل این همه موانع امیدواری که از خارج و داخل مانده با اقدامات صادقانه و پیشرفت های متفقانه شما وکلاست ، اگر اندک اختلافی در شما بیدار شود باید قانع مشروطیت را خواند و چنین از استقلال ایران بریست ، به ترسید از اطاله زبان دشمنان که هماره ایرانیان را بر حس و خودخواه و وطن ناشناس و مستوجب ظلم و استبداد و غیر قابل مشروطیت گفته و میگویند ، و متذکر اند که گاهی را کوهی و قطره را دریائی بر صدی مقالات سابق و لاحق خود با پایان ظاهر دارد - ترجمه نماید بردوستان خود که هماره برده پوئی نموده و رفع الزام از شما کرده و تقصیر را بدیگران داد ، دوست نوازی فرمائید و زمان دشمنان را بر دوستان دراز نکنید

(۲) قبل از هر اقدام وکلا باید با هیئت کابینه دست یکی شده بدون فوت وقت هر قسم و هر وسیله است رفع اغتشاشات کنونی را از زوایای مملکت به نماید زیرا بواسطه نازکی موقع و جسارت و جبری شدن همسایگان یک اغتشاش کوچک و اندک دله دزدی ملی استقلال ایران تواند گردید امروز نمیتوان اغتشاشات جزئیه ایران را مانند سابق بی اهمیت مرض کرد و پشت گوش اداخت و بانرات سیم تلگراف حوالت داد و یا بیک جمله (اقدامات لازمه می شود) قناعت کرد ، اقدامات حرکات جدی و عملی با قوه قاهره می خواهد

(۳) امساک وزارتخانه ها از یکدیگر و تجزیه ادارات هر وزارت خانه است چه عمده پیش ترفیق کارها از خام و ملط وزارت خانه ها و امتزاج ادارات هر وزارت است با این تشریح الیهودی امروزه وزارتخانه ها و عدم امساک آنان از یکدیگر هرگاه صد کرور پول در اصلاح مملکت صرف شود دره فائده نخواهد داد ، هنوز هیچ وزارت خانه تجزیه شده و شعبات آن همین نگردیده است هنوز اعضای وزارتخانه ها خود را نوکر شخص وزیر تصور میکنند و وزیر هم اعضای وزارت خانه را به نظر نوکر های شخصی خود مینگرد و بدون سبب قانونی هرکرا میخواهد عزل میکند و بدون هیچ مراعاتی هرکس را میخواهد بعوض آن میگذازد و تا وقتی که ایران دارای وزارتخانه های صحیح مرتب قانونی نشود نه تنها دارای مشروطه نخواهد بود بلکه دارای استقلال هم نخواهد شد ، رفع مزج و مزج ایران بسته بانظام وزارت خانه هاست و اغتشاش عمومی منوط بانغتشاش آنها ، تا وقتی که وزارتخانه ها از یکدیگر امساک نه یابند و تحت انتظام نیابند و دارای

اعضای رسمی و شعبات قانونی نشوند دست بهر کار زده شود تا پس خواهد ماند و بهرکاری اقدام شود پیشرفت نخواهد کرد و این امور صورت نهند جز بطلب مستشارهای خارجی، من با یک عالم اطلاع میگویم و حرکات و سکنات و سوانح عمری بکشد و بیست نفر وزراء مشروطه خواه را بشهادت می آورم که نیت خاص و عقول منوره کافی از علم و تجربه نیست، وزرای ایران هر کس و هر قدر دارای حب وطن و عقل باشند از عهده اداره کردن یک وزارت خانه بیرون نمی آیند، امروز در کارها مغنویت درخور است نه صورت ظاهر یک میز و چهار کرسی در یک اطاق گذاردن و نام یک شعبه وزارت را بروی او نهادن یک وزارت خانه را دارای مغنویت اداری نمی سازد نباید دانست که به یک میز و چهار کرسی انتظامات اروپائی نمی شود بدبختانه گویا وزراء ایران مائل نمی باشند وزارتخانه ها اداره شود و یا بقول بی علم خود مغرور شده ضرورت جلب مستشار خارجی را نمیدانند و هر وقت هم الزام بی ترتیبی وزارتخانه بآنها داده می شود عیب را در بی بولی منحصر میدانند هرگز نفس کار را بی علمی خود قرار نمیدهند، وکلا راست که جدیدیت نوده بدو وزارتخانه ها را منظم نمایند که در نظم وزارتخانه تمام ایران تحت انتظام تواند آمد ورنه هر انتظامی که در داخله شود حکم نقش بر آب را خواهد داشت و بی اساس و شایده خواهد ماند

هل یستوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون
(العلم بنادی باعلی صوته - انا سلطان العالم - انا مشید ارکان الامم - انارافع الرايات - اناحیی الاموات ، انالذی من حصنی لا ینصل العزت منه)

باتفاق دانایان محیی هر مملکت علم است ، مشید ارکان هر ملت علم است ، معز هر امت علم است ، سلطنت بیزوال علم است ، جاهل لایق مسابقه با عالم نیست ، هر قوت هر عزت هر دولت که پایه اش بروی علم نیست خالی از زوال و عاری از خذل نمیباشد و این کلیه از ابتدای عالم تا کنون در موقع تداول بوده هیچ اختصاصی بادوار اخیره و این دوره نداشته است ، تاریخ ناطق است هر قوم در هر قرن که به سلم ترقی پیشتر ارتقا یافته به برکت علم بوده ، هر ملتی که علتر بوده علو مقام و ترقی و سلطوت و جلالت افزون بوده ، چون این کلیه باطل شدنی و این مقدمه شرعاً عقلاً تاریخاً حساً تردید بردار نیست باین مختصر مقدمه اکتفا کرده میگوایم ایران محتاج به علم است ، ایرانیان محتاج به تعلم اند ، استقلال

ترقیات نقش بر آب است ، پارلمان اسم بی مسمی است ، مملکت ایران دولت ایران ملت ایران پیش از همه چیز محتاج به علم است

ولی بدبختانه در دو سال دوره اول مشروطیت و شش ماهه این دوره چیزیکه موضوع بحث پارلمان ایران نیامد و مورد توجه کابینه وزرا نشد اصلاح وزارت معارف و ترتیب قوانین تعلیمات عمومی بود ، توجه بر این امر مهم که حیات بخش ایران است برخی از قلت بودجه و کمی پول دانسته جیبی از هجوم موانع پنداشته اند ولی ما از نداشتن وزیر معارف می بنداریم ، بجه دلیل ، بدلیل اینکه بگیرم مایه ایران اجازه نمیداد که تعلیم عمومی جاری شود ترتیب قوانین او را چه چیز مانع بود ؟ چرا مدارس موجوده را تحت انتظام نیاوردند ؟ چرا مدرسه دارالتنون از وضع دلخراش ماست مالی دوره ناصرالدین شاه تغییر نکرد ، درین شش ماهه اخیره چه چیز مانع وزارت معارف در ترتیب مدارس موجوده بود ؟ کدام شعبات وزارت معارف ترتیب یافت ؟ کدام شکل اداری در وزارت معارف پیدا شده ؟ آیا کدام مدارس دولتی ما که بودجه فوق العاده دارد و هیچ مانعی هم در ترتیبات آنها دیده نمی شد به ترتیب صحیح درآمد است ذی بی و برالله ترتیبات مدارس دولتی ما از دارالتنون ، نظامی ، سیاسی ، فلاحی و غیره که همه بودجه کافی فوق العاده دارد کدام یک برابری با مدرسه آلمانی یا روسی بلکه با مدرسه کشیشان امریکائی تواند نمود ؟ کدام یک مانند آن مدارس دارای پروگرام صحیح اند و حال آنکه عشر مصارفیکه در مدارس دولتی می شود در هیچ یک از آن مدارس نمی شود

یقین داریم قوری انبای وطن محبوب ما ازین بیانات چنین تصور خواهند کرد که وزرای معارف سابق یا رؤسای مدارس دولتی چون حیف و میل می کردند ازین رو هیچ کاری از پیش نه برده ، اگرچه تا دوجه ما هم حیف و میل را تصدیق خواهیم کرد ولی عمده سبب پیش ترفن کارها را همانا بی علمی وزرای معارف و رؤسای مدارس دولتی میدانیم ، ورنه اگر چنین نبود اقلأ تا امروز یک ترتیب جزئی بی نقصانی در وزارت معارف و مدارس از روی علم و بصیرت داده بودند

ما تصدیق داریم که صنیع الدوله عالم و درست کار و بی غرض و خیر خواه و سالما در مدارس منظم تعلیم یافته ، ولی کرة آسمان بهم نخواهد خورد اگر گفته شود برای ترتیب و انتظامات همه

است ، بمحضرت عباس (ع) قسم ابدأ شکست جناب صنیع الدوله نیست اگر بگوئیم مستشار خارجی برای ترتیب وزارت معارف و افتتاح مدارس عمومی درکار است ، این ذی تونی وزرا فقط منحصر بایران است ورنه در هیچ نقطه از نقاط دنیا نیست که اینقدر وزرای ذی تون داشته باشد ، اطلاع سرسری غیر از مهارت کامله است ، عقل تنها مستقی از علم نیست و علم غیر از عملیات است

بدیختانه مملکت ایران دارای هیچ علم و عمل نیست ایران هرگز مستقی از مستشارهای خارجی نتواند بود ، مشکل ترین امور یک مملکت ترتیب مدارس عمومی برای تعلیم اجباری از روی علم و فن است و هیچ نمیتوان منتظر بود که این عمل از روی علم از شخص صنیع الدوله یا سایر وزرا برآید و اگر بنا شود که چشم از تجربیات شش قرن علمای مجرب دنیا پوشیده بطبع زاد و سلیقه ایشان به ترتیب درین وزارت حیات بخش ملت قناعت نمایم باید چشم از جمیع مواد ترقی بر بندیم و شش قرن صبر نمایم که مدارس مان مانند مدارس ملل متری درآید بر حسب قانون اساسی و نیز حسب الحکم حضرات آیات الله وزارت معارف باید جداً در ترتیب قانون مدارس عمومی اقدام نموده بمجلس پیش کرده تا در ضمن بودجه سال آینده که عنقریب بمجلس پیش خواهد شد بودجه وزارت معارف هم جزء آن تصفیه یابد و قوانین آن نیز از مجلس بگذرد ، پس از برقراری امنیت داخلی قبل از اصلاح هر امر باید ترتیب مدارس عمومی و تعلیم اجباری بشود که حیات ملت استقلال ملت ترقی ملت رفع احتیاج ملت تمام منحصر به ترتیبات تعلیم عمومی و بسته بانظام وزارت علوم است

وزارت علوم در جمیع دول متری با اینکه قرنهایست شالوده او ریخته شده اهمیتش از کلیه وزارت خانه ها پیش و مشغله اش نیز از تمام زیاد است در ایران با اینکه هیچ اساسی برای این اداره نگذارد شده و ترتیب آن پیش از تمام وزارتخانه ها کار دارد بقدری کوچک و بیکار تصور کرده اند که چندین اداره بزرگ که هر یک مقابل یک وزارت خانه کار دارد باو چسبانده اند ، مانند وزارت اوقات ، وزارت معادن و منافع عامه ، ما شاء الله می بینیم بازم از کثرت بیکاری وزیر معارف شخصا در هر کیسیون هم شرکت دارد سبب این است که ابدأ اهمیت بوزارت معارف نداده و در آن وزارت اسمی هیچ شغلی رسمی برای وی تصور نه نموده اند ، ما تصدیق داریم که صنیع الدوله لایق و عالم است ولی کرامت و خرق

عادت را در حق ایشان قائل نیستیم و نمیتوانیم تصدیق نمود که با یکدست پنج هندوانه میتوان برداشت حق اروپائیان هم در حق دانایان خود چنین تصدیقی نه نموده و دو شغل را هرگز بیک نفر رجوع نه کرده و ما پنج شغل بسیار بزرگ را بصنیع الدوله حواله داده ایم ! خدا بیامرزد ناصرالدین شاه را که در یک وقت بیست و پنج عهده برای امین السلطان معین نموده بود

نتیجه این شد که دو سال در دوره اول شش ماه درین دوره هیچ تغییری در وزارت معارف پیدا نشد ، زیاده ما از شخص صنیع الدوله تعجب داریم که چه طور این همه مشاغل قبول کرده اند و چگونه هیچ یک آنها نرسند

غرض این است که باید وزارت معارف ترتیب داد و بدون مستشار خارجی محال است که این اداره تحت انتظام آید و پیش از هر اداره ما محتاج باین اداره ایم و قبل از هر وزارت خانه باید وزارت معارف ترتیب یابد و امروز که بنا شود ما در صدد جلب مستشار خارجی برای ایران بشویم تا ورود آن بطهران شش ماه طول میکشد ، انشاء الله سایر وزرا خاصه وزارت معارف پیش ازین تعلل در جلب مستشارهای خارجی تسامح نخواهند نمود و رضا خواهند داد که وزارتخانه های ما از صورت شخصی بنوعی کراید

وکلائی مجلس راست که در تصحیح بودجه توجه تام در حصه وزارت معارف به نمایند شاید باین وسیله وزارت معارف هم بکار اوقفت و قبل از هر قانون باید قانون وزارت معارف در تعلیم عمومی از مجلس بگذرد و هرگاه بودجه شاهنشاهی گنجایش نداشته باشد باید در ضمن همان بودجه مد عوامی برای مصارف تعلیمات عمومی منظور شود که یک ساعت تعطیل درین امر یک سال ملت را عقب می اندازد و زرا باید بدانند که مجلس وظیفه ندارد که بآنها تکلیف نماید که مستشار بگذارند و این وظیفه هر وزارتخانه است که ضرورت خود را دیده مستشار بخواند هرگاه زرا در طلب نمودن مستشار تعلل نمایند وزارتخانه های خود را بحال وقوف و سکنه گذارده و الزام بر شخص خودشان وارد خواهد آمد سه سال است گفته بازم میگوئیم وزارتخانه های ما بدون مستشار خارجی اداره نخواهد شد و مصدر هیچ خیری بحال ملت و دولت و مملکت نتوانند گردید ، قبل از هر وزارتخانه باید وزارت معارف را ترتیب داد که خلیل محتاج بر او هستیم و لایق اسم بلا رسم است

سورت استفتاء از حضرات

(آیات‌الله در خصوص تعلیمات جدید)

(فی سوال ۱۳۲۷)

بسم الله الرحمن الرحيم

حضور مبارک آقایان حجج اسلام و آیات‌الله‌تعالی فی‌الانام دامت ظلالم عرشه مبدارد - اولاً محض آنکه تصدیق آن دوات مقدسه موجب تذکر اسلامیان گردد این مقدمه تاریخیه لازم است عرشه شود ، بعد از طلوع شمس هدایت اسلام و تابش میراعظم نبوت خفیه صلوات‌الله علیها چون احکام سیاسیه این اکل‌الشرایع والادیان که الی قیام الساعه نسخ باید است بحکمت بانه آریه عز اسمہ بروفق مقتضای طبیعت عالم و ترقی و تمدن ام بود ، لهذا اکثر معموره را در مدت قلیله بنور خود منور و خلاصی را از ضلالت شرک بانوار توحید هدایت تویر و از جهالت و توحش بوادی تمدن و علمیت دلالت فرمود تدریجاً علوم اسیاء سالفین و رسوم حکماء متقدمین بطوری احیاء شد که در قرن سوم ممالک اسلامیہ معمور ترین ناط عالم و مسلمانان مقدم بر جمیع ام و تمدن اسلامی بحیر عقول و مدارس اسلامیہ در بغداد و مصر و اندلس و غیره محبط رحال و تمدن مسلمین در علم و صنعت سبب شد که تمام ملک مسیحیه با آن کمال افتاق در حروب صلیبیه مقابلی فقط با مسلمانان مصر و شام را که جزء صغیر از ممالک اسلامیہ بشمار میرفت از عهده بر نیامده ، پس از زبان زیاد خائباً خاسراً معاودت و دانستند مقابله حاصل با عالم مخالف طبیعت عالم و از حیطة قدرت خارج است و از برای وصول بمرام تحصیل علوم و ترجمه کتب حکماء اسلام قیام نموده در مدت چهار قرن تحصیل و نقل علوم اسلامیہ بممالک غرب کوشیده و بوسیله تلاحق افکار بدرجه مشهوره ارتقا نمودند و بالعکس مسلمانان بخت برگشته از روی بیصاحبی و شیوع اغراض استبدایه اولاً مقام اتحاد و اخوت دینیہ را که اولین اساس ترقی اسلام بود از دست داده وظایف قائمه بیشت جمیعہ از میان رفت ، تشویقاتی که امثال خواجه نصرطوسی و ابوعلی سینا تربیت مینمود منکس و رجال دانا منقرض و تدریجاً اصل تحصیل آن علوم منافی دیانت حقه بخرج رفت مسلمانان بچاره را چنین بخله مذلت

نشانید و قهقری برگردانید تأخر ادبی و فرط جهالت و عدم تمدن مسلمین زیاده از چهار خمس ممالک اسلامیہ را از حکم قرآن خارج و در تحت سلطنت صلیبیه داخل نمود ملیونها نفوس اسلامیہ را بنصرانیت تحویل داد این قلیل باقیانده از ممالک اسلامیہ هم از شدت حاجت در جمیع امور معیشت شباه روزی با جانب مصداق (تحافون ان یخلفکم اناس) و با آخرین مرحله رسیده علت منحصره تمام این مصایب فقط فرق کله و جهالت مسلمین است ، اینک محمدالله تعالی ملتین اسلامیین از قید اسارت و رقیب فراتنه امت خلاص و وضع حکومتین اسلامت بسیره مقدسه بسویه وعدالت اسلامیہ نزدیک شده اگر ام‌الامراض جهالت و نفاق رفع شود امید نجاتی توان داشت و علینذا مستعدی آنکه جواب مسائل معروضه را مشروحاً مرقوم فرمایند اولاً حقیقت علم را که عبارتست از پروردن بحقایق اشیاء و همچنین یاد گرفتن صنایع ما عدای امثال سحر و کلمات و نحوها از آنچه بالخصوص در شریعت مطهره تحریم شده است میتوان مخالف دیانت شرده و علوم حایز القلم را بعلوم شرعیہ اصولیه و فروعیه منحصر نمود یا نه ؟

ثانیاً علوم و صنایع متداوله این عصر از طبیعیه و ریاضیه و طبیه و سیاسیه و غیرها که به اصطلاح علماء معقول در قسمت دوم از علم حکمت مندرج و ملل سایرہ از حکماء اسلام اقتباس و بمرور اعصار و توارد افکار چنین ترقیش داده بترکب آنها فوق جسته اند ، آیا تحصیل این علوم و صنایع بطوریکه مسلمانان بتوانند حوائج نوعیه و شخصیه خود را برگذار و ممالک اسلامیہ را حفظ و اساس دیانت خود را نگاه داری نمایند بر عموم واجب است یا نه ؟ ثالثاً آیا تعلم لغات خارجه را بالذات میتوان از حرمت شرعیہ شمرد یا نه ؟

رابعاً آیا تعلم این لغات چون تعلّم توقف علیہ تعلم علوم و صنایع معروضه است من باب المقدمه و جواب دارد یا نه ؟ استدعای جواب صریح داریم

جواب حضرات آیات‌الله

(بسم الله تعالی)

بل چنین است رفع ید مسلمین از اتحاد سلامی و سایر وظائف سیاسیة مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

مطالب همانطور است که جناب حجة الاسلام دامت برکاته مرقوم فرموده‌اند، خداوند عالم توفیق اطاعت عطا فرماید
 الاحقر محمد کاظم الخراسانی

تذکره حضرت وزیر جنگ

(به آقای سردار ظفر)

از طهران باستانهان نبره (۳۰۱)

جناب مستطاب اجل سردار ظفر دام اقباله -
 درباب تصحیح عده نفرات فوج جلالی سابقاً هم
 بشما تلگراف کردم که باید کسری نفرات را بر
 اسم و رسم باشد و هر صیغه اعم از تخفیف و غیره
 جمع آوری نموده موجبات انتظام و آراستگی فوج را
 از هر جهت مرتب دارید، آقایان علماء عظام که
 تخفیف سرباز غالباً راجع باملاک ایشان است بهتر
 میدانند که امروز وجود سرباز از اهم فرانس و
 بدون انتظام امور قشون هیچ کاری از پیش نخواهد
 رفت، البته جناب عالی هم کسور فوج را جمع
 خواهند نمود که با کمال آراستگی بکارید و بقیه
 را در محل حاضر و مستعد داشته باشید تا در
 موقع لزوم بهر طور که حکم صادر شد و هر نقطه
 مأموریت میدهند فوراً روانه و حرکت نمایند
 (وزیر جنگ)

حبل‌المتین

پرواضح است که ملک تمام نگیرد جز بقشون،
 سلطنت استقلال نیاید جز بقشون، بهانه جوش خارجی
 مرفوع نگردد جز بقشون، بعبارت بسیار ساده این
 مملکت اسلامی باقی نماند جز بقشون، عرض و
 ناموس مسلمانان از دراز دستی اشرار مصون
 نتواند ماند جز بقشون و هر دولت بر حسب قانونی
 که دارد این قشون را باید از مملکت خود حاصل
 نماید، علمای اعلام اسنهان که در اجرای قوانین
 مشروطیت و استقلال این سلطنت اسلامی پیش
 از علمای سایر بلاد خدمت کرده‌اند نباید از
 ادای این حق مشروع دولت تسامح نمایند و پیش
 ازین دولت را دوجار مخاطرات فرمایند و مجبور
 با اجرای این حکم نه نمایند

امروز یا باید از استقلال این سلطنت اسلامی
 چشم پوشید و یا این حکم حیات بخش وزارت حلبیه
 خشک و نامرغ را اجرا گذارد، از همین شخصیات است

اهمال علوم و صنایع محتاج الیها اسلامیان را بجزین
 حالت مذلت نشاید اینهمه ممالک اسلامی را از حکم
 قرآن خارج و بتصرف سلطنت صلیبیه داد و ملیونها
 مسلمانان را بنصرایت کشاید، باید بقیه مسلمین از
 این سکوت و غلت هشیار و موجبات حفظ بیضه
 اسلام همت بکنند، سیاسیات اسلامی را کما حرره
 الشارع احیاء و اتحاد اسلامی را برای دارند -
 انشاءالله تعالی

و اما جواب مسائل اربع - تعلیم صنایع و
 علوم مذکوره علاوه بر آنکه فی نفسها از واجبات
 است در حفظ بیضه اسلام و تهیه قوه دفاعیه متوقف
 بر آن و لهذا از اهم واجبات است، و جواز تعلم ما
 عدای آنچه در شریعت مطهره بالخصوص تحریم
 شده و هم چنین جواز تعلیم سایر لغات و بلکه
 وجوب توجه آنچه تعلم علوم و صنایع محتاج الیها
 بر آن متوقف است از واجبات است، لکن چون
 تعلیمات فرق غیر اسلامی و کتب مضافه آنها متضمن
 عقائد فاسده است و نسبت به بعض متعلمین متبع
 فساد عقیدت و موجب انزجار و اعراض مسلمین
 گردیده لهذا برای سد این باب فساد علم و جمع
 بین امرین لازم است اداره معارف از مردمان
 با علم و دیانت و خیر بشریات و عقاید بطور
 رسمیت تشکیل نماید و رسماً نظارت بر جمیع
 مدارس و مکاتب و تهذیب تعلیمات و کتب مترجمه
 بعهده دیانت ایشان موکول شود و هم واجب است
 که در هر یک از مدارس و مکاتب برای تعلم اصول
 و فروع دینیه شبانه روزی معلمی مخصوص رسماً
 معین شود و بطوریکه فعلاً در مکتب جعفری بغداد
 که مخصوص ابناء شیعه است معمول و بحمدالله تعالی
 موجب کمال مباهات است در تعلیمات مذکور مقدم
 بر سایر امور مراقبت شود تا بپسوندن تعالی نتیجه
 مأموله با حفظ اساس دیانت مسلمین حاصل و از
 سرایت فساد عقیدت ایمنی حاصل شود انشاءالله تعالی
 و البته ترتیب این امر بر وجه صحیح و بطور رسمیت
 بعهده دیانت مجلس محترم ملی و اداره وزارت معارف
 موکول است، نثل الله سبحانه و تعالی حسن التائید
 و منه الاستعانه و علیه التکلان

حرره الاحقر عبده المذنب المذنب المذنب

👉 نقل از ایران نو

(نمونه از اخلاق گذشته)

سواد کاغذ وزیر پست و تلگراف در دهم
رمضان سنه ۱۳۲۷ به مجدالاسلام کرمانی مدیرمهم
روزنامه (ندای وطن) می-نویسند

عرض می شود رقیمة که از بابت تکلیف
خودتان مرقوم داشته بودید بوزارت حلیه داخله
فرستاده و آنچه هم ارادت قلبی اقتضاء می کرد
ضمیمه کردم ، این جواب را مرقوم فرموده اند
که برای اطلاع جناب عالی می فرستم ، همین طوری
هم بحکومت دارالخلافه سپرده و توصیه شده است
که ممرض نشوند زیاده زحمت ندارم ،

ایضاً ضمیمه دستخط خود وزیر پست و تلگراف
فدایت شوم از این وضع پیش آمد کار جناب عالی
کمال افسوس را دارم و شب در هیئت وزرا آنچه
لازم بود عرض کردم الحمد لله اسباب آسایش جناب
عالی فراهم آمده است . . .

(سواد رقیمة وزیر داخله به وزیر پست)

(و تلگراف نمرة ۶۹۳۰)

وزارت حلیه پست و تلگراف کاغذ - جناب
مجدالاسلام را بجناب مستطاب عالی ملاحظه کردم
در موقع گرفتاری برای ایشان محذورات کلی متصور
بود معذرت در مساعدت ایشان کمال همراهی و اهتمام
بعمل آمده و بالاخره قرار بر این شد ممرض
شده ولی از طهران بروند همان روز هم این حکم
بحکومت طهران ابلاغ شده و همین قدر خاطر محترم
را مطلع میدارم که نتیجه اقدامات زیاد بوده که
بوسیله خلاصی ایشان فراهم آمده است ،

(سواد رقیمة وزارت داخله ۱۴ رمضان ۱۳۲۷)

(خطاب بناظم خلوت)

هنکامیکه مأمور عدایه برای اجرای حکم عدایه
بخانه همان ناظم خلوت رفته بود که درحقیقت این
کاغذ را بمأمورین عدایه نوشته اند

فدایت شوم - حکم کلبه این است که دیوانخانه
عدایه در اظهارات و عرایض که راجع بمواجب و
حقوق زنان شاه شهید نوراچه مضحجه می باشد
کوشش نکند و رسیدگی ننماید ، از هر طبقه فرانس یا
اردال یا قزاق در این مورد مزاحم شما بشوند
همین نوشته را ارائه بدهید ممرض نخواهند شد

که دولت ایران با اینکه از روی دفتر قشون
باید دارای دوپست هزار مریاز و سوار باشد
در موقع لزوم ازسوق ده هزار عسکر عاجز میباشد ،
از همین تخفیفات بود که دولت روس شش هزار
قشون بایران باسم حفظ امنیت ملی و جانی فرستاد
و ما با دوپست هزار قشون دفتری عاجز ازجواب
او شدیم که ما خود شش هزار قشون داریم

در اصلاح نظام سردست همین است که نفرات
فوج را بدون کسر و نقصان تحت نظام آورده و
باندک تبدیلات جزئی از تبدیل تغییر برخی افسران
و تعیین بعضی افسران عالم و تدارک اسلحه و مشق
منهادی بگردیم ، اصلاح این انواع و رفع نقائص
آنها سهل و در مدت قلیلی ممکن است بدون اینکه
یک بار عنضیمی بر بودجه مملکت وارد آید . ولی اگر
نا شود شالوده از نو ریخته و چیم ازین قشون
موجوده به پوشیم اولاً طول زمان درکسار دارد
ثانیاً مصارفیکه ما فوق طاقت بودجه مملکت است
باید متحمل شویم

ما نیکوایم ملت ایران را این اصلاحات کافی
از تشبثات دیگر میباشد چه عقیده ما هماره این بوده
و هست که ایران تاوقتیکه دارای یک ملیون قشون
مکمل نشود از موضوع رقابت اجانب بیرون نتواند
شد ، ولی انجام این امر پست سال در کار دارد
و بدون مشق اجباری تمام ملت این امر صورت
نم بندد ، ایران باید همین قشون موجوده خود را که
از هر جهت دوپست هزار نفر است منظم کند و
ضمناً هم از روی یک شالوده صحیح اساس قشونی
خود را مرتب سازد و هر قدر ازین قشون موجوده
ممکن است برطبق همان شالوده درست نوده و آنچه
قابل نیست رفته رفته کم کرده بر آن اساس صحیحی
که ریخته بینزاید تا اندک اندک قواهی نظامی ایران
بر یک میزان صحیح در آید ، ولی باید دانست که مکرر
دولت خواسته تربیات نظامی خود را درست کند
یا افسران کنونی مانع تراشیدند یا همسایگان عایق
پیش آوردند ، خدا کند این دفعه اولیای امور مانند
سابق سرد نگردند غرض این است که آقایان عظام
در چنین وقتی باید دولت را کمک نمایند نه اینکه
عایق پیشرفت خیالات دولت آنها در ماده جمع
قشون شوند

بیشتر دوست داشته و محال بود دست تصرف یا خیانت احدی بطرف آنها دراز شود حتی آنکه محبوب ترین معشوه های يك پادشاه اگر ده سال عمر صرف میکرد که يك دانه از آنها را از سلطان بگیرد ممکن میشد و دست رد بر سینه اش میزدند و سؤالش را اجابت نمیکردند

کلید حوامرات را (دو قسمت) کرده بودند یکی آنکه هیچ وقت بیرون نیآورده و مورد استهلال بیست درخزانه ضبط است و در هر تغییر و انتقال سلطنت بد آنها رسیدگی کرده بابت سابق مطاقه و مقاله میکنند که مبادا که و کسر یا تبدیل و عوض شده باشد دیگر ابدأ بکار نینداخته و استعمال نمیکردند .

رقم دوم جوامراتی است در صندوقخانه سلطنتی نهاده از دوره سلطنت ناصرالدین شاه در اعیاد و سلام ها و مواقع رسمیه و ملاقات سلاطین و غیرها آنها را از صندوق خانه در آورده بکار میبردند و مجدداً بعد از رفع حاجت بصندوق خانه رد میکردند ، در رقم اول بعضی اشیاء است که قیمت های بی اندازه دارند و از اشیاء کران بهای دنیا محسوب میشوند ، مثل قطعه الماس معروف (بکوه نور) و همین سبب دشمن های بسیار پیدا کرده است ، هر حال هیچ کدام از این در رقم فروخته یا بخشیده نمی شده و منتها درجه مواظبت در حفظ آنها بعمل میآمده است زیرا که جوامرات مذکوره در انانیه دولت و ثروت باقیه ملت محسوب میشده و واقفان حکم يك موقوفه را پیدا کرده بود و سلاطین باخلاف خود توصیه در حفظ و صیانت آنها میکردند .

یکی يك شبه شاید در خاطر بعضی اشخاص دور که از اوصاف سلطنت مسبوق نیستند خطور کند زیرا که شنیده اند که شاه بهلان وزیر يك حلقه انگشتر بریلین مرصع کرد يك قبضه شمیر جوامر نشان بهلان سردار بخشید یا فلان جنید را يك عصای مرصع الماس نشان از صندوقخانه دادند ، لکن باید دانست که آنچه جوامر بمردم داده شده عیناً از بازار خریدند بصندوق خانه آورده مجدداً از صندوق خانه می بخشیدند و ابدأ ربط جوامرات موجود در خزانه بصندوق خانه بجا می

قطر در استار لرننگ چند قطعه آنها را ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه بسلاطین اروپا بخشیده اند ، بعد از این مقدمه باصل مقصود می پردازیم چون محمد علی - میرزا از سلطنت خلع و بدارت بیلاز (زر کننده) در تحت حمایت دولت روس و انگلیس بناهنده گردید ، دوا بر دولتی و سیاسیه سلطنتی بنصرف ملت درآمد از طرف کیسیون عالی و اولاد دولت جدید ایران هیئت منتخب شده که بجوامرات خزانه و صندوق خانه و طلا و زرینه آلات ، مسکوکات طلا و غیره رسیدگی نموده تقاضات تحقیقات کامله بعمل آورده کسر اساسیه را از رویه تنبهای موجوده معین نموده از محمد علی میرزا مطالبه کنند ، زیرا که در دوره سلطنت مشاوائیه عادت دیرینه حفظ انانیه برهم خورده و مقداری از آنها باولیا استبداد بخشیده شده مقداری دیگر یا فروش رفته و در دشمنی با ملت و ریختن خون مظلومان صرف شده و چنانکه سابقاً اشاره کردیم اشیاء مزبور حکم يك موقوفه و آثار باقیه را دارد ، محمد علی میرزا حق بخشیدن آنها را نداشته و لازم است حتی الامکان هر وسیله که ممکن باشد در استرداد و ضبط آنها سعی و جهد شود و هیئت مذکوره مشغول تحقیقات گردیده چنانکه تاکنون نیز اقدامات و تقاضای آنها تمام نشده است بعد از رسیدگی ودقت و مراجعت به تنبها و صورتهای سابقه و لاحته و تعیین کسور و اتلاقات طومار برنیب داده در طی چند عنوان کسور را معین نموده يك قلم از آن طومار مقداری از (مروراید و زمرد) است که بلیگت آن تقریباً (يك کروور تومان) می شود .

سواد آن طومار بتوسط سارت انگلیس و روس فرستاده شده در خصوص کسور مذکوره از محمد علی میرزا توضیحات خواسته بودند

روز چهارشنبه ۲۲ شعبان هیئتی که برای این مسئله معین شده بودند ، که در سفارت روس نزد محمد علی میرزا رفته توضیحات خواستند محمد علی میرزا برای مریک از سوالات مذکوره جواب داده اند لکن بعضی را تنها در حاشیه همان طومار نوشتند و بارة او شاماً جواب داده که از برای اطلاع عموم درج میشود .

(۱) در باب کسر مروراید ما سوال کرد بودید که کیست و نزد کیست ؟

نمره ۲۲ - نمره ۲۴ -

شفاهاً جواب میدهد که يك کيسه آن که (هشتم
مقال و کسری) بوده و سندش نزد (ونوق
حضور) است بنایب السلطنه کامران میرزا داده، کامران
میرزا قدری از آنها را فروخته قیمت آنها را
دریافت نموده است و حالیه عین آن مرواریدها
نزد خریدار موجود است وجه آنها داده مرواریدها
را دریافت نمایند و آنچه فروخته نشده نزد کامران
میرزا است از او مطالبه کنید.

(۷) در خصوص مقداری پول مسکوک طلا
که موجود بوده است و حالیه وجود ندارد سؤال
کرده بودند که سکه های مربوط طلا چه شد و در
نزد کیست؟

شفاهاً جواب داده است که در روزهای اول
سال در راه بر و احسان بقرا داده میشد (در
حالیکه فقط محمد علی میرزا در یکسال آخر
مطلق العنان بود و در آنسال هم از احدی شنیده
نشده که وجهی بقرا داده باشد بعلاوه هیچ وقت
پول طلا بقرا داده نمیشد اگر وجهی يك وقتی
بقرا داده شده شاهی سفید و امثال آن بوده است
نه اشرفی طلا)

(۴) در خصوص دو قطعه الماسیکه در خزانه
موجود بود و حالیه اثری از آنها نیست و از الماس
های بر قیمت درشت بسیار مهم شمرده میشدند سؤال شد
شفاهاً جواب داده است که يك قطعه از آن
لماسها که بوزن هشتاد و هشت قیراط بوده جبهه
حضرت علیه ملکه دادم مدال ساخته و بدو مرحمت
بودیم، قطعه دیگر موجود و نزد (حاجی عدل السلطنه)
است باید از او مطالبه نماید.

(۵) در خصوص چند قطعه زمرد که منقود
شده در خزانه و صندوق خانه نیست سؤال شد؟
جواب - در حاشیه همان طومار نوشته است
که سه عدد از زمرد های مذکور فروخته شده
است و شش قطعه دیگر را دادیم بنایب السلطنه
سابق کامران میرزا از او مطالبه نموده دریافت دارید،
(۵) در باب چند صندوق که معلوم نیست کجاست
و چه شده که عدد آنها بده صندوق بالغ و نمره
های آنها از قرار ذیل است

نمره ۴ - نمره ۸ - نمره ۹ - نمره ۱۰ -
نمره ۱۲ - نمره ۱۳ - نمره ۱۵ - نمره ۱۶ -

شفاهاً جواب داد که من دزد مال خودم نبودم
و چهار مرتبه بیشتر بخزانه نرفته ام و در آن چهار
مرتبه (حاجی عدل السلطنه و مستشار الملك و اعتماد
حضور و اعتماد حرم و سرایدار) حاضر بودند،
دفعه اول برای استخراج تاج کیانی، دفعه دوم و
سوم جبهه بازدید صندوقها که کلید در هر دو دفعه
سه صندوق باز دید شد صندوق اول صندوق انجیه
دان بود، صندوق دوم مشتمل بر جقه و پیش کلاه -
صندوق سوم محتوی بود از گرز و خنجر شکسته،
دفعه چهارم جبهه استخراج جقه مادری مخزانه رقم
(۶) در باب هشت قطعه جواهر سؤال شده بود
در حاشیه طومار جواب نوشته که در بانک
گرو است و شفاهاً نیز تصریح نمود که قطعات مذکور
در بانک و سندش نزد (ونوق حضور) است،
(۷) در باب ۱۶ رشته تسبیح مروارید که در
خزانه و صندوق خانه موجود نیست سؤال شده بود
شفاهاً جواب داد که آنها نیز در بانک گرو است
(۸) در خصوص جوامراتی که بتوسط (آقا
سید رضا خان خواجه) و (شایستال) در بانک
گرو گذارده شده توضیح نموده (که اینها کلیه
مال خانم است و ربلمی بدولت ابدأ ندارد)
(۹) در باب جوامرات صندوق خانه سؤال
شده بود که چه شده؟
در حاشیه طومار کتباً جواب نوشته اینها
بدل السلطنه دستخط داده شده و شفاهاً نیز
گفته بود (شاه بودم بخشیدم)
(۱۰) در خصوص انگشترهای الماس فلینک که
جمماً (دوبست و چهل و يك) حلقه بوده و منقود است
شفاهاً جواب داد که انگشتر های مذکور در
بانک گرو است و سندش نزد (ونوق حضور) است،
(۱۱) در باب نخواه موجوده که بیست و نه
مزار و ششصد و سی و سه تومان و هشت قران بوده
و حالیه نیست، در حاشیه طومار نوشته (به مختار اوله
از بابت محاسبات نقدی دستخط داده شده) و
شفاهاً نیز گفت که شاه بودم خرج کردم چنانچه
بعد از فوت ناصرالدین شاه مرحوم هشت کروور
پول نقد خزانه مرحوم مظفرالدین شاه خرج نمود
من نیز خرج کردم.

نمره ۴ - نمره ۸ - نمره ۹ - نمره ۱۰ -
نمره ۱۲ - نمره ۱۳ - نمره ۱۵ - نمره ۱۶ -

نمره ۴ - نمره ۸ - نمره ۹ - نمره ۱۰ -
نمره ۱۲ - نمره ۱۳ - نمره ۱۵ - نمره ۱۶ -

نمره ۴ - نمره ۸ - نمره ۹ - نمره ۱۰ -
نمره ۱۲ - نمره ۱۳ - نمره ۱۵ - نمره ۱۶ -

نمره ۴ - نمره ۸ - نمره ۹ - نمره ۱۰ -
نمره ۱۲ - نمره ۱۳ - نمره ۱۵ - نمره ۱۶ -

نمره ۴ - نمره ۸ - نمره ۹ - نمره ۱۰ -
نمره ۱۲ - نمره ۱۳ - نمره ۱۵ - نمره ۱۶ -

(۱۲) در خصوص اشرفیای خزانه اندرون بتوسط مختارالدوله - جواب داد در زمان مرحوم ام سلطان ووزارت مالیه جناب ناصرالملک ووزارت بیوتات مستشارالملک بحاجی حسین آقا امینالصرب داده شده و نت آنها نزد میرزا حسنخان برادر زاده مستشارالملک و اعتماد حضور و میرزا محمدعلی خان مستوفی میباشد.

ایست آنچه تاکنون راستطای محمدعلی میرزا بما رسیده و از قرار مذکور مجدد بتوسط وزارت خارجه مذاکره شده - زیرا که بسیاری از جواب های فوق صحیح و شان نیست هر چه در این خصوص تحقیق کردیم در آتیه بعرض میرسانیم و قرار نامه که بمابین مبادله شده که (پروتوکل) می ماند و بزبان فرانسه نوشته شده ترجمه آن را در همین نمره درج نکردیم و علت تعویق درجش تاکنون آست که از طرف اوپاء دوات ایران تصریح شده که آنچه در این خصوص در حریده فریده ایران نو درج شده مطابق با ترجمه اصل نیست بدین سبب تا عمل ~~نکرده~~ تا اصل ترجمه (پروتوکل) مذکوره از مراکز رسیده بداره رسیده و اکیداً توضیح می کنیم که این ترجمه صحیح و در عایت اعتبار است.

توضیح اجبار سیستان

از تغییر اوضاع مملکت اداً تغییری در ناحیه سیستان از اصلاحات و امنیت روی نداده روزی نیست که سرقت اتفای نیوفند و هفتت نیست که بدون قتل مس تمام شود و ماهی بست که بدون چپاول یکی از قراء به اتهام رسد ، میتوان گفت که از وضع سابق هم قدری امورات حرج و مرجش پیش تر گردیده است

باب الحکومه اداً اقدامی در امنیت نمیکند وکلای انجمن ولایتی هم شرط کرده اند که بغیر از طی کردن مرافقه زارع و کمخدا در مبحث دیگری داخل نشود

ادارات قانونی از قبیل عدلیه و نظمی و بلدیه وغیره هیچکدام تأسیس نیافته و گویا سال آتیه هم دو این سرحد مهم پلیسی ادارات قانونی را نخواهیم دید

همایکان در سیستان وقائات مشغول نمیکند و کسی بفکر جلوگیری نیست ، حکومت قانات که از حاکمالدوله گرفته شد و به شوکت الملک واگذار شده حاکمالدوله و پسرش بخنال سرکشی افتاده اند حشمتالملک را پسر دوم حاکمالدوله که مایبالحکومه قانات بود از سیستان طوایب بلوچ را که بدانها از طرف مادر وابسته است برای انتشاش به بیرجند خواسته و تا بحال متجاوز از یکصد و بیست نفر رفته اند ، حداوید به ققرای قان ترحم فرماید . مسلماً اگر این دزدان وحشی بنای انتشاش گذارند دیگر در قان آبادی نخواهد ماند

مهر قابل توجه حضرت وزارت جنگ

(ووزارت مالیه)

بدرعباس اول نقطه مهم سرحد مملکت میباشد و بیشتر دول خارجه نظر شان بسوی این بندر مهم است و آنچه مشاهده میشود از طرف اولیای دولت علیه ایران بکلی اعتنائی نیست هر سه اله حکومت بنادر مبلغ معتنائی باسم مستحفظ بندر عباس دخیره قورخانه مستحفظ قلعه شیلومیناب ودهنه کنوتنگ زندان و غیره در طهران بخرج دولت می آورد و مستوفیان عنام از خرج بر میدارند در حالیکه هیچ کس از اهالی بندر عباس سؤال نمی نماید آیا این مخارج واردآمده و مستحفظ هست یا خیر؟ حال آنکه از این مستحظین اسم و رسم هیچکدام نیست و یک نفر در این حدود مواجب ندارد ، از قورخانه و دخیره اسمی شنیده میشود ولی نه يك دانه فشک نه يك قبضه فشک و نه يكمن سرب و باروت موجود می باشد ، حات توپخانه بسیارکه عمارت آن قریب بانهدام و محل هزار گونه کثافت و خرابی چه از لوله توپ مسی دهن بر موجود سه لوله آن بدون قنداق و ارابه بی کار افتاده يك لوله سوار میباشد آن هم اسباب رسوانی است تمام چرخ و سامان و ارابه آن شکسته هر مسافری از خارجه وارد شود عکس آرا بر میدارد ، اجزاء توپخانه يك نفر باور و يك نفر سلطان و هر توپچی میباشد که اتصالاً از نرسیدن مواجب و بی دخیره بودن نظم و اصرار دارند هرگاه رای مبارک وزارت جنگ و وزارت مالیه قرار بگیرد يك نفر صاحب منصب امین تعلیم یافته

روایه فرمایند از توابع بندر عباس دو دسته سرباز دو طلب گرفته و نظم بدهد هیچ ضرری بایله دولت وارد نخواهد آمد، اعی آن مبلی که حکومت بخرج دولت می آورد کفاف خواهد نمود زیرا که ممکن است آدم قوی البته تعبیح الزاج که گرفتار و افور و هیچ گونه کثافت کاری نباشد در مواجب ملی سه تومان قطعی قرار داد و لباس دولت بدهد نیز بیشتر از سالی چهار تومان خواهد شد، و این عده سرباز جهت نظم بندر عباس و توابع و شبلیات و میناب کنایت خواهد نمود و اسباب امنیت و آسودگی و طایا است، تکلیف وطن خواهان نمودن است و تکلیف اولیای دولت کار کردن تا رای مبارکشان چه اقتضا فرماید

(م - ع)

مکتوب از لشکر

(واقعات بستک بقرار دلیل است)

علام حس خان (وراوی) و حاجی سید ما میری و آقا میر قالی و طوایب اشکنانی و تراکه که به خاک بستک تهاجم نموده عده جمعیت آنها تقریباً به (۴۰۰) نفر میرسید بدو آقریه (کوهج) را متصرف متجاوز از (۷۰) نفر مرد و زن سر بریده اموال آنجا را غارت مدرسه آنجا را مهدم کتب را آتش زدند - صولة الملك بجزد استماع این خبر فوراً با پسر خود محمد رضا خان عبدال شان را برداشته و بستک را تحلیه کرده فرار کردند و به اهالی بستک اعلان داده که هرکس عیال خود را برداشته برود مردم هم چون دیدند حکومت فرار کرد و در قید احدی نیست گذشته از جلوگیری با آن استعدادی که دارا بود به مدافعه هم پرداخته ناچار دست از تمام موجودی خود کشیده با کمال عجزه باطراف پراگنده شدند - دهات نیز تاشی به مرکز نموده با حال گرسنگی باطراف فرار کردند، اشرار چون دیدند که بستک حالی از مردم (۴) روز بعد داخل شده تمام اموال آنجا را غارت و بتوسط الاغ و شترهای خود که از اشکنان آورده بودند حمل کرده و بدعات خود رسانیدند - خانه نماند که شکسته و غارت نشده باشد فقط خانه حضرت سلطان العلیا که (۷۰۰) تومان پول گرفته و دست نزدند، باقی خانه ها گذشته از غارت نشی دیوارهای خانه نیز شکسته و بودند، و

بدعات اطراف بستک مثل (جناب) و (گتاو) هم دست اندازی کرده بعضی اموال غارت و چند نفری مقتول و خانه هارا آتش زدند، تهاجم اشرار تاریخ ۸ رمضان بحدود بستک و ۱۲ داخل به بستک شده و ۲۸ از بستک خارج شدند، مشایخ سادر پشت کویه رای جلوگیری اشرار با جمعیت خود بالغ بر دویست نفر خود را به (جناب) که ۴ فرسخی بستک است رسانیدند، ولی صولة الملك مانع شده و ۱۵ روز ایشان را در آنجا متوقف داشت، پس از رفتن اشرار صولة الملك مراجعت به بستک کرده و بر کرسی استبداد قدیم خویش جلوس کرد

روز اول که این خبر به لشکر رسید که اشرار با (ه) هزار جمعیت درجهه بلشکه مصمم اند بدو لشکر در آن روز صورت مدعی پیدا کرد، بعضی از عرب ها و بستکی ها از سکه هجرت به عمان کرده و برخی کایه اموال خود را آتشی های مادی حمل و در بدرگاه ایستاده منتظر بودند که هرگاه خبر اشرار به ۴ یا ۵ فرسخی لشکر برسد از آنجا آتشی سوار شود

انجمن محترم آراد فوق العاده معتقد و مردم رای ترتیب کارها در آن محل اجتماع کرده همه روزه نایب الحکومه هم حاضر می شد، اول مسئله که در انجمن عنوان و از نایب الحکومه خواهش شد تأمین مال و جان اتباع خارجه بود که راه برانه برای آنها پیدا شود

روز دوم از طرف وکالت گری انگلیس رسماً این مسئله از حکومت درخواست شد، نایب الحکومه در بایستادگی انجمن محترم آزاد در این مده تأمین مال و جان اتباع خارجه را در جواب ورقه رسماً وکالت گری متعهد گردید، و کیفیت مقدمه بطهران بوزارت جلیله داخله و ایات کبرای فارس مدلسها تلگرافاً و به جناب درباری که در سیاسی متوقف است کتباً اطلاع داده شد، جناب درباری بدو کشتی برس پلیس با (۵۰) نفر سرباز و تفنگ بی تگستانی و توپ بریاست امیر بچه و از بعد ۲۰۰ نفر دیگر تفنگچی به لشکر فرستادند تا یکدرجه مردم اطمینان پیدا کرده و خود اهالی هم شب و روز با اسلحه حرکت کرده در خانه ها سنگر بت و خارج از شهر نیز بنوان حراست گردش می کردند

در واقع مقدمه بستک به عقل درست نخواهد آمد، این غضب خداوند از سوء افعال صولة الملك است که جهانگیریه را برباد و اهالی آن صناعات را از ظلم و تعدیات خود باطراف عمان و بحرین و مسقط و کویت پراگنده ساخته که حالا هزاران در آنجا بگدائی و محالی و سقائی مشغول اند - اهالی جهانگیریه بالاتفاق از وضع حکومت استبدادیه صولة الملك بدرجه نضرت دارند که قلم از شرح آن عاجز است، مردم جهانگیریه دو چیز از اولیای دولت ابد مدت استعنا میکنند، اول سرکوبی اشرار و استرداد اموال منوبه آنها، دوم عزل صولة الملك با اجزاء حکومت آنجا و طرد و تبعید ایشان از خاک بستک - در حقیقت اگر تسامحی در عزل این هیات استبداد از طرف اولیای دولت بشود مثل این است ~~که~~ قطعه جهانگیریه را از ایران استثناء داشته اند

مکتوب اصفهان

پس از ورود سهام الدوله حاکم فارس که شخصی قانون دوست و طالب تاسیس ادارات است حکومت جلیله را خیلی بهمرای و حمایت و تاسیس ادارات از قبیل عدلیه و اداره ولایتی و بلدی و نظمی و غیره تشویق و تخریب نمودند حکومت جلیله اصفهان نیز بتشکیل اداره ولایتی / الحاق خیلی بهمرای و اقدام فرموده و میفرمایند و تاکنون تا اندازه که تشکلی شده بهمرای ایشان و اصرار و تاکید انجمن ولایتی بوده است، محال اداره ولایتی صورت ظاهری دارد و حقوقی برای اعضاء بتصویب انجمن رسیده ولی چون جدید التاسیس است وظایب اداره هنوز واضح و روشن نیست، حکومت اصفهان اصرار دارد که مجلسی برای این تاسیس از طهران روانه دارند الحاق خیال بخند است زیرا عالم بعلم اداره در آنجا کسی نیست که این کار خانه را بمرکت صحیح در بیاورد

بواسطه همین نبودن معلم خاطر حکومت از این اداره و سایر ادارات آزوده است و مایلند بطور صحت تشکیل شود و این صورت حالیه ادارات را ناپسند میدانند امید است اشخاص با علم زود تر از طهران وارد شوند تا ادارات منتظم و ایالت هم کامل در بهمرای حاضر شوند

تاکنون دو سه مرتبه حضرت مصمص السلطنه

بواسطه بعضی محذورات از حکومت استعنا فرموده اند و قبول نشده این مرتبه آخر هنوز معلوم نیست پذیرفته شد یا خیر الحاق موانع خیلی درکار است ولی تعجب در این است که حضرت مصمص السلطنه که با همت عالی و همراهی سایر سرداران محذور بان بزرگی را از ایران خارج و از تحت فرود آوردند این محذورات محلی از چه جنس و ماده است که اظهار عجز فرموده اند، معلوم میشود هنوز موانع در میان است

انجمن ولایتی بهیئت چند نفر وکلا که قانوناً انتخاب شده اند مزین و دایر است و همیشه مشغول مذاکراتند و خیلی در خیر خواهی ملت ساسی و جاهلند دو کمیسیون بختی برای نظارت ادارات معین و مشغول کار شده اند امید است باقدرات این دو کمیسیون ادارات منظم و رفع موانع از آنها بشود اداره عدلیه دایر ولی بد بختانه طرف بیرحمی ایالت جلیله واقع شده است چون بر حسب قانون مشروطیت کابینه محاکات راجع بدلیه است و سایر ادارات ح-ق محاکمه ندارند بدینواسطه باید خیلی مرتب و صحیح تاسیس شود شاید بیرحمی ایالت هم بدینواسطه است ولی حرف بر این است که باید باز بهمرای و حمایت و توجه ایالت صحیح شود بیرحمی وعدم التفات موقف ندارد، یوسف خان سالار حشمت و مرتضی قلیخان فرزند ارجمند مصمص السلطنه هفته قبل از طهران باصتهان وارد شدند و از قرار مذکور رفع بعضی محذورات ایالت را موکول بورود این دو نفر کرده بودند چیزی هم از آنها معلوم نشد و دوسه روز است به بختیاری حرکت کرده اند

بوشهر معدن وفا و مهر

(البته توجه آخوند نباتی را شنیده‌اید)
الحمد لله چند روز است عصرها انجمن باز و نظار تعرفه میدهند لاکن جی خیر خواهان درکار بهمزدن هیئت نظار هستند که فلان شخصی قابل تعرفه نبود و بهمان ورشکته بود یا وجودیکه خودشان ~~که~~ اول مرتبه تعرفه گرفته اند دارای محسنات ثلاثه هستند که هم ورشکته و هم ترجسان داده و هم حبس شده میباشند، اگر بفرمائید چرا به چنین اشخاصی نظار تعرفه بدهند، جواب این است ترس برادر ~~که~~ است، وقتی شخصی حکومت با ~~ب~~

چنین کسی حکم دهد که به سمت . . . درغیاب ایشان باشد تکلیف مردم چیست؟ پس معلوم شد حین حکومت از سایرین بیشتر است و بچاره بخیاش میرسد وقتی عموم ملت از کردار و رفتار اوشاکی باشند این یکطرفه الی دو سه نفر دیگر فصول باشی میتوانند او را بحکومت نشانند، ولی غافل از آنکه امیر بهادر و غیره و غیره نتوانستند جلوگیری ملت کنند خود ویشوای خود را بذلت ابدی گرفتار کردند! (گوش سخن شو کجا دیده اعتبار کو) میگویند دریایی این دو روزه از بندرعباس بطرف بندرنگه حرکت میکند که هرچه شجاع نظام نایب الحکومه مردم را سر و کوبه کرده بحیب ایشان ریخته به بوشهر بیایند

مکتوب از بمبئی

(قابل توجه وزارت خارجه)

(انشاءالله وکلای مجلس ملی هم ملاحظه)

(خواهندفرمود)

جناب مناح السلطنه هفتۀ گذشته بوقتاً از یونه وارد شده بفاصله یک روز در جهاز اتریش از بمبئی بسمت کمال سویس حرکت کردند خودشان میگفتند از طهران اجازه مرخصی گرفته ام و از راه مصر و اسلامبول بطهران خواهم رفت و عذرشان این بود که مدتی است مبتلا به تب هستم و بهیچ وجه تب رفع نمیشود و طیب تجویز کرده و باید حکماً تبدیل آبوهوا بشود لهذا از طهران اجازه مرخصی شش ماهه گرفته بعد از شش ماه مراجعت خواهم کرد.

مسئلاً اینها همه عذر نبود زیرا که بحسب داور هیچ آثار مرضی از سپای ایشان مشاهده نمیشد و بر فرض هم که گاه بگاهی تب خفین یا شدیدی میکردند علاج آن بیک ماه مسارت بیکی از بیلاطات مستعده هندوستان بکمال سهولت میسر بود. معلوم نیست بچه وسیله وجه تدبیر رخصت از طهران گرفته اند و خیال واقعی ایشان ازین حرکت فوری چه بوده ولی همین قدر مسلم است که بکلی خیال معاودت هندوستان را نداشته و ندارند. حال خیال ایشان هرچه بوده کار نداریم. چیزی که خیال بایه تعجب و اهمیت است این است که ایشان قبل از حرکت از طهران مقرری یک سال تمام

مأموریت بمبئی وکلکته را که شش هزار هتصد تومان بوده باشد از وزارت مالیه حاصل و گویا، بدلاوه پانصد تومان هم انعام بجهت خدمتی که در مسئله متحصنین سفارتخانه انگلیس نسبت به محمدعلی شاه کرده بودند از او گرفته اند. شش ماه اول سال را تمام در طهران بلیت و اهل گذرانیده شش ماه ثانی را هم در مسافرت از طهران بهندوستان از طریق اتلی وینه صرف کرده در اوایل نوروز گذشته یا چند هفته قبل از آن وارد بمبئی شدند. از یوم ورود بهندوستان تا حین خروج اقامت ایشان یا بمبئی بود یا یونه که تا بمبئی چهار ساعت راه است و آنرا هم همیشه در هتل منزل داشتند و ابدأ در زیر بیدق شیر و خورشید نیارمیدند در ماه رمضان گذشته هم دو فقره پول موجب از طهران از حکومت جدید برای ایشان رسید که سردار ارفع در محرم حکم رسیده بود که بایشان برساند سردار ارفع نیز حواله بجناب حاجی سادان علی شوشتری دادند که بایشان کار سازی دارد یک قره ده هزار و پانصد روپیه و یک قره بیج هزار و هشتصد روپیه بفاصله دو سه هفته از جاب حاجی سلطانی اخذ کردند که کلاً شانزده هزار و سیصد روپیه که معادل با شش هزار و هتصد تومن موجب سال جاری ایشان باشد. در حقیقت هنگامی که از بمبئی حرکت کردند متجاوز از سیزده هزار تومان موجب دو سه مال تمام را از دولت یا از ملت بچاره گرفته بودند در حالی که شش ماه یا هفت ماه پیشتر در هندوستان توقف نکرده و عجب تر آنکه درین شش ماه هم ابدأ بمحل مأموریت خودشان که کلکته بود نرفته و بهیچ وجه خود را معری بحکومت هند نکرده و بسمت جنرال قونسولگری هندوستان شناخته نشده اند و بعوض این سیزده هزار تومان بل متجاوز یک فلر وجود ایشان بمحال دولت یا ملت ایران نایند نخبیده و از آمد و رفت ایشان بهندوستان هیچ نتیجه بشی از آمد و رفت یک نفر ایرانی معمولی حاصل نشد. اگر این سیزده هزار تومان را در طهران گرفته و ابدأ از حای خود حرکت نکرده بودند با حال که تا نصف راه محل مأموریت آمده و بعد از شش ماه اقامت هر یکی از نقاط هندوستان صد

چرا باید بمحل مأموریت خود نیامده رخصت گیرد
(۳) جنرال قونسلر که بمحکومت هند معرفی
نشده و بمحل مأموریت خود نیامده از روی کدام
قاعده موجب دو ساله باو داده شده است

(۴) آیا قونسلخانه های ایران تا کی باید دو
(کیم) یک جنرال قونسل باشد، چرا نباید، موجب
جنرال قونسلگری ما تخزیه شود و حق اعضا و
کرایه جنرال قونسلخانه منها گردد؟

(جگر اسان خون میشود که دولت جدید
برای رفع احتیاج حاضر می شود که جواهرات
سلامتی را در بسک رهس گذارد و تا این درجا
در مالیه دولت حیف و میل شود)

(۵) وزارت مالیه بداند که از بست سال
تا کنون جنرال قونسلهای هندوستان چند سال بیشتر
در محل مأموریت خود نوده و موجب بست ساله
بصاحب وزارت های خارجه رفته و نصیب دیگر هم
بهین وضعها ضایع شده است

(ما نمیدانیم جناب علاءالسلطنه که مسؤل اعضای
خود میباشند برای این حیف و میل در بودجا
وزارت خارجه چه جواب دارند)

اگر بنا شود که وزارت های ایران هنوز هم
ملاحظات دوستی و سابقه آشنائی را بر حقوق ملی
ترجیح دهند بدا بحال این ملت فلك زده، وزیرای
محترم باید بدانند که ملت بهوش آمده ازین وجهد هیچ
امر در پرده استتار نتواند ماند

طهران

(وقایع نکار ما)

(۷ شوال ۱۳۲۷)

هنوز نمیتوان تعیین یوم افتتاح مجلس را نمود
ولی چون عده وکلا بدرجه کافی از افتتاح مجلس
در طهران جمع شده اند امید است که بزودی مجلس
منعقد گردد

زمزمه حرکت قشون روس هم بمیان هست
عده زیادی از تبریز حرکت کرده از قزوین هم
خواهند نمود

جناب ناصرالمک همین چند روزه وارد طهران
خواهند شد اهالی ایران هموماً و اهل طهران خاصتاً
از استماع ورود جناب ناصرالمک خیل خودوقت و
ایمیدوار گردیده اند و ایشان دانسته اند که

سال خدمت معاودت کردند هیچ تفاوت نمیکرد،
در حقیقت مثل این بود که از طهران بوبنه یا
مصر رفته مدتی را بطالت و تفرج گذرانیده و از
همان راه بطهران مراجعت کرده باشند و مع هذا
مواجب دو سال تمام جنرال قونسلگری هندوستان
و قونسلر بمبئی را هم احد کرده باشند، بی فرقی
که از امتداد سفر تا بمبئی حاصل شد این بود که
چند سعه روزنامه انگلیسی و بیره که مندرجات آنها
تمام باشاره خودشان بود همراه ما خود بردند که
در طهران همه را سند از برای خدمات خود قرار
دهند و به متروپه خواهی و وطن پرستی خود را معرفی
موده خدمتی که مهم تر و مواجیش بیشتر و بطالتش
زیادتر باشد تحصیل نمایند، ملاحظه فرمائید آیا موجب
شش ماه آنهم با اینگونه بطالت سیزده هزار تومان است؟
مگر نه این پولها را هزار زحمت از امراد رعیت
ببچاره جمع کرده اند و امروز که مملکت ما گرفتار
هزار گونه مصیبت و فلاکت و بدبختی و احتیاج است
بشگی و بوسیه تلگراف بایشان رسانیده اند، آیا
رای اینکه بمجرد رسیدن پول شش ماه با آخر سال
هم مانده ایشان ناخوشی را بهانه قرار داده پولها را
بردارند و فوراً روانه شوند؟

آیا شغل قونسل جنرال در هندوستان چیست
در مدت اقامت در هندوستان ایشان بکدام یک از
وظایف خود عمل کردند؟ کدام راپورت تجارتي
را بطهران فرستادند، کدام تجارت ایران یا متاع
ایران را در هندوستان ترویج دادند؟ کدام مشایه
تجارت را تحقیق و تدقیق و تفحص و تفریح کردند؟
چه وسيله از طهران از زه حرکت گرفته اند؟ چه
ناخوشی داشتند که علاج آن منحصر رفتن بطهران
بود طیب معالج ایشان که بود، آیا سرفکت
از او گرفته اند که علاج منحصر بحرکت بطهران
است و یا فقط بمجرد قول عذرشان قبول شده است؟

لذا جدا از وزارت خارجه امور ذیل را پرسش
نمایم
(۱) موجب قونسلگری بمبئی که باید از طهران
بیاورد چرا باید شامل موجب جنرال قونسلگری
کند بشود
(۲) جنرال قونسلر که دو سال موجب گرفته

مشروطیت ایران جز بناخدائی ناصرالملک که هم عالم است و هم عامل هم متدین است هم وطن خواه و بی شایبه غرض و بدون هیچ گونه لوٹ، اول شهید راه حریت است، ناصرالملک کسی است که از جان شیرین گذشته در مقام حفظ مشروطیت بمخواست محمدعلی سر فرود نیارود، ناصرالملک کسی است که عهده وزارت بر مقام و منزلت او نمی آید او مائل بخدمت وطن است نه وزارت، امروز محبوب ترین رجال دولت نزد ملت ناصرالملک است و در ایران کسیکه این مقام منبع را بقوت علم و ایافت و حسن قابلیت و دیانت نموده ناصرالملک است - امروز کسیکه تملیحات خود را از روی مدارجه علمیه طی نموده باشد سوای ناصرالملک در ایران کمتر سراغ داریم، دامان ناصرالملک بلوٹ خودخواهی و استبداد آورده شده است، بدبختانه بعضی خودپسندان شهرت طلب را آمدن ناصرالملک ناگوار شده و بهمین ملاحظات بود که قبل از آمدن بایران از شغل مخصوص دولت استکفای نموده و برخی چنان بنداشته بودند در آمدن بایران بهانه می نمایند در هر حال نمایان مملکت را آمدن ناصرالملک خیلی امیدوار و قوی دل ساخته است حالا بعد از ورود چه مسلك پیش و چه خدمتی اختیار نماید معلوم نیست

فرمانرما وزیر عدلیه که استعفا داده عاناً علت استعفاى خود را دحالت و وساطت وزرا در امور عدلیه بیان می نماید البته از اخبارات روزانه طهران بخوبی این نکته معلوم می شود و این امر خیلی مقام افسوس است

کم کم دارد به مصادر امور معلوم می شود که پیشرفت کارها منوط بر دمان عالم کار آزموده است و هیچ مملکت هیچ دولت هیچ ملت از رجال عالم مستثنی نباشد، مشیرالدوله ومؤمن الملک که از رجال عالم کنونی ایران بشمار و از مردمان خیلی با احتیاط اند درین دوره تا کنون خود را مصدر کاری نموده یعنی شغلی قبول نکرده اند و گویا متر قدم جناب ناصر الملک هستند و عنقریب مصدر کارهای عمده بمخوانند شد، اینها تمام منوط است بانقاد مجلس، مشیر الملک ومؤمن الملک بعد از اعلان آخری محمدعلی در برقراری مشروطیت قبول خدمت کردند ولی

همینکه دیدند باز هم همان بازی اولیه بروی کار است مانند مستوفی الممالک وزیر مالیه کنونی از کار کناره گرفتند

ونوق الدوله که از رجال باز یافته دانا و فعال ایران است بوزارت عدلیه منتخب شدند و خیلی اهالی امیدوار بحسن اداره عدلیه بودند.

ولی در مسئله مجدالاسلام کرمانی و زیر و زبر نمودن حکم عدلیه که ایشان هم شریک سایر وزراء گردیدند خیلی مردم را از خود ناامید نموده اند حکم عدلیه علمی باید مطاع و متبع باشد ولی در ماده مجدالاسلام کرمانی به صراحت وساداب شده و حکم عدلیه را تبدیل کردند، اگر چه لابد مصلحتی درین امر بوده است که مردم نمیدانند البته این واقعه مورث اطاله زانها گردیده که تا آن جدیب وزراء در ماده دیگران میگویند اعمال عرض شده این سخنان نه این است که طبع زاد نکراننده باشد در هر سرمازار می سراید

عمل مالیه کار را بر مصادر امور سحت نموده در مجلس فوق العاده وزیر داخله خیلی زور آورد که اقلاً ینت کرور پول لازم است و هر قسم هست باید بین یکی دو روز تدارک نمود و راهی خزرج جزئی از جوامع است نیست، بعد از گدنگوی زیاد یکصد و بیجاه هرتومان مصارف فوری دیده شد می گویند وزیر مالیه جداً با این استقراض همراه نکرید ورد شد، عجب این است که چرا نباید وزرا قبل از وقت این گونه مسائل مهمه را بین خود تصیه نمایند اگر این مسئله بین وزرا تصیه می شد بهتر بود که در مجلس عالی فوق العاده موضوع بحث آید و وزرا خود را در انبار عموم بی تجربه جلوه دهند اگر مجلس مقدس منعقد بود همین مسئله بالاصاله سبب ضعف و شکست وزرا میگردد

وزارت مالیه خیلی در صیق است و سبب عمده هم این است که تا کنون وزرای محترم عادت نکرده اند بولیکه بدستشان آید از دست بیرون نیاید، فرقی که کرده سابق حسابی در کار نبود حالا بعد از خرج کردن حسابی انگشت شمار بوزارت مالیه میدهند، شنبدم در مجلس وزرا چند نوبت وزیر مالیه شکایت کرده و از خوف مساویت مجلس که عنقریب افتتاح خواهد شد خواسته بود استعفا نماید

و ما جميع این نواقص کار را راجع به قلت پول در دستکاه دولت می‌پنداریم

نرمی و ملایمی جناب علاء السلطنه وزیر خارجه خیلی بر جسارت اعضاء وزارت خارجه که زیر بار هیچ ترتیب و قانون نمیروند افزوده، دارند اشخاصی در مأموریتهای وزارت خارجه دست تصرف دراز مینمایند که انسان دنک می‌شود، حیث و میل از هر جهت و حساب ترائی از هر قسم بقدری که در وزارت خارجه معمول است و مروج است در هیچ وزارتخانه بست و این قصور وزیر حایه نمیباشد از دیر باز اعضاء باین وضع عادت کرده با اینکه مواجب اعضاء وزارت خارجه از مواجب اعضاء سایر وزارتخانه ها بیشتر و بهترم بآنها میرسد معذالك کتر کسی است که بمواجب قناعت نموده و درصدد دخل نباشد، هیچ لازم به بیان نیست که دخل اعضاء وزارت خارجه چه قدر زیان سیاسی برای مملکت دارد، وزارت خارجه صندوقچه سر دولت است بدبختانه در این دوره حکم يك کارواندگرا را پیدا نموده است متأسفانه هنوز در وزارت خارجه اعضاء هستند که برخی چشم بمحبت روس دوخته بعضی بانگلیس،

غرض ما ازین بیانات ابداء الزامی به شخص وزارت خارجه نیست چه ایشان سالهاست در درستکاری امتحان خود را داده اند، و مقصود مان ازین بیان واقع تذکر خودشان است بلکه اشاءالله به تدریج خرابیهای این وزارتخانه را اصلاح نمایند، نمیتوان فقط الرجالی را هابه سکوت قرار داد مردمان درست کار که قابل خدمات در وزارت خارجه باشند در گوشه و کنار سیار اند اقلآ وزارت خارجه کسانیکه عمر خود را بجهت و میل درین وزارت خانه گذرانده بام قضا الرجالی ترفیع رتبه دهند چه این گونه مأمورین که عمری بیک سیاق گذرانده خارج از امکان است که از عادات دیرینه دست بکشند و هر قدر ترفیع رتبه آنها شود بر خراب این وزارت خانه خواهند افزود منعم الدوله از وزیر مختاری پترسبرگ استعفا داده گویا سنارت روم را تکلیف کرده قبول نکرده میگویند محشم السلطنه مامرد بوزیر مختاری پترسبرگ شده است کنترل مالیه مشمول تقشس هست اعضاء آنها همه متعین و با اطلاع و درستکارانند نتیجه اقداماتشان

هنوز معین نگردیده دیر هم نشده است من جمله اعضاء، صنیع الدوله، مسیو بیزه معاون وزارت مالیه و رئیس تجارتخانه خسروشاه جهان، رئیس تجارتخانه تومانیاس و غیره و غیره است

وزارت معارف تا کنون کاری که شایان سرعت امروزی باشد نه نموده و این هم دو سبب دارد یکی بقدری کار برای وزیر معارف تراشیده شده که فرصت رسیدگی بامور وزارت خود ندارد، دیگر اینکه نبودن پول مانع از بعضی اقدامات وزارت معارف شده، شنیدم ترتیب بودجه داده که بمجلس پیش شود ولی ناقص است، وزارت منافع عامه اگر از وزارت معارف و اوقاف مجزی شود بهقیده من نافع تر است

با اینکه بالاتفاق همه وزرا لزوم استخدام مستشار های خارجی را قائل اند ولی تا کنون هیچ اقدامی درین موضوع نشده و گویا منتظر انعقاد مجلس مقدس اند بی پولی هم سبب تمویق این امر شده و وزرا هم گویا تا بتوانند نمیخواهند زیر این بار بروند و هنوز عقول خود را مستغنی از علم و تجربه می‌پندارند خدا کند روزی برسد که وزرای ما ترك این عقیده کهنه را گویند

بر سیل عموم يك نکته را ناچار از بیانم که قرب چهار ماه و نیم است که بدون مانع وزرا بروی کار و وزارت خانه ها دائر شده ولی تا کنون شالوده يك وزارت خانه یا يك اداره از روی علم گذارده نشده اگرچه وزرا خیلی گرفتار بوده اند معذالك اگر معاون عالم داشتند اقلآ شالوده کارها از روی علم و فن ولو ابدائی گذارده شده بود، اینک با سابق ابداء جز اسم فرقی در اصول کارها دیده نمی‌شود وزارت جنگ و داخله زحمت کشیده اند ولی امروز اگر بناشود از کار کناره گیرند اساسی که دیگران بروی آن کار کند نگذارده اند، بنی بنانه این دو سردار خیلی کار کرده اند ولی چون کارها بر شالوده صحیح نبوده اگر چندی باین منوال باقی ماند سررشته از کف بیرون خواهد رفت مسئله اردبیل کم کم دارد بزرگ می‌شود و مکان این است که دولت را پریشان سازد چه ظن متأخم بعلم است که دست همسایه در اوست قبل از آنیکه بنای تقار و اختلاف از طهران بشود اربابها

هموماً تا يك اندازه متحد معلوم می شدند ولی کم کم دارد نثار مرکز همه ایران سرایت میکند خدا کند زود مجلس منعقد گردد و این نثار رفیع شود این هم منوط بر این است که مجلس جدا کار کند و خدای ما خواسته اگر در مجلس بنسای پلری بازی شود با اختلافات امروزی فاتحه ایران را باید خواند

عیب اینجاست که سردارین قبول وزارت کرده اگر اینها بشغل وزارت خود را مستعمل نمی نمودند و درین ضمن هم مسدین موقع نمی یافتند که تبار کدورت به برخیزانند رعب ایشان مانع از هرگونه یقار بود و احدی بخمال تشکیل پارت نمی افتاد و کسی جرئت مخالفت نمیکرد

حکایت تگرف جناب نصرالدوله از شیراز

(۱۳ نومبر - ۲۸ شوال)

حبل المتین - کلکته مندرجات شماره هفده تمام بی اصل ، خدمات من جالب توجه و تصدیق اولیای دولت ملت ایالت مشروطه خواه ، افسوس - ایر مندرجات روزنامه شریفه در انبار نظیر این اکادیب (نصرالدوله)

حبل المتین

مقصود جناب نصرالدوله از مندرجات شماره هفده عنوانی است که در خصوص گرفتاری ایشان نوشته شده بود ، این خبر بی اصل که کذب محض بود از شیراز به بوشهر و از بوشهر بذرایع مختلفه بادارات غالب جرائد از فارسی و انگلیسی فرستاده شده و قبل از آنکه این خبر را حبل المتین بنویسد غالب جرائد بومیة انگلیسی نوشته بودند و چون چند نفر از موثقین اداره از بوشهر متفق القول نوشته ما نیز درج نمودیم و همیشه بی اصل بودن این خبر طامر گردید تردیدش را هم کردیم

حالا خوب است در انتشار این خبر کذب و بی اصل و الجمله نقادی نمایم شاید تا درجه رفیع شبه شده برده از روی کار برداشته شود ، موثقین اداره از بوشهر نوشته بودند این خبر از شیراز به تلگرافخانه بوشهر رسید و انتشارش از تلگرافخانه بیگور شد (ما از حامیان این اداره ملی اعم از شیراز و بوشهر خواهش می نمایم که تحقیقات سری و علنی درین خصوص نمودن تا نشر این خبر را بدست

آورده تا مزید بر نقادی گردد) هرگاه این خبر چنانچه با نوشته اند از شیراز به بوشهر تلگراف شده فوری مطلب بدست می آید و علت نشر معلوم میگردد قبل از آنکه این امر تحقیق شود ما نمیتوانیم ازین موضوع صرف نظر نموده نظریات خود را نه نکاریم عقلاً آنچه تخویز میتوان کرد انتشار این خبر

کذب بلاشبهه مبنی بر بلتیک بوده و چون به پهلوی دیگر آن نظر شود نمیتوان تصدیق کرد که دشمنان نصرالدوله این کذب آشکارای بی نتیجه را که همان ساعت یا پس از چند روز بی اسلیش ناست می شود شهرت داده باشند ، چه این خبر برای آنها منتج هیچ نتیجه نمی باشد بلکه دارای زیانات عدیده است و هیچ عاقل بلکه جاهل از روی دشمنی متصدی امری که زیان بحال خودش داشته و نافع بحال دشمن باشد مرتکب نمی گردد

پهلوی دیگر آن این است که دوستان و هواداران نصرالدوله بحیالات بلتیک بی این اکادیب را شهرت دادند چنانچه در ماده حجت الاسلام لاری برای برده بوشی رسیات اعمال خود انتشار برخی اراجیف می دادند هرگاه صرف نظر از مقاصد عدیده بلتیک بی آن هم بشود انتشار این اکادیب چند فائده علنی برای نصرالدوله دارد اول نه نه من غریب ، نزد ایالت و اولیای دولت که باوجود نگرانی شخص ایالت در خدمات صادقانه من دشمنان برای بدنام کردن این اوامهات و اشتراکات را می اندازد -

دوم ملتیس ساختن اخبارات صادقه که جرائد دور و نزدیک در حق وی مینسوزند - چه مسلم است باشاءه يك خبر کذب بدین آشکاری سایر اخبارات صادقه در حق او را هم ملتیس مینماید ، سوم منصور بود که از انتشار این خبر کذب هواداران ایشان پیش از پیش صدر شرارت و ادلاب شده سپس هم خود شیرینی در رفع آن نزد ایالت نموده باشند و هم در معنی يك بوغ جبروت و شوکتی با ایالت نشان داده باشند گذشته بر این هرگاه چنین خبر کذب اشاعت بی یافت چگونه موقع می یافتند که با ادارات حراند طرف شده آنها را بشبه اندازند ، ما بحول و قوه الهی تنقیدات انیقه پس از آنکه ناشر این اکادیب معلوم شد خواهیم نمود

سپس جناب نصرالدوله را مخاطب ساخته میگوییم

کہ شخص شاہ بالغ بر ده سال است باعضای این اداره ملی مربوط بوده و مراسمہ داشته و ملک این اداره را کہ حق جوئی و حق بوئی و عدالت خواهی این میدانید و نیکو دانسته کہ این نامہ ملی بدون جہتی بین کہ نفع و زیانش واجح بعامة ملت باشد نہ بر کسی می شود نہ با کسی۔ در آغاز دورہ اول مشروطیت کی برضد مشروطیت کر بست؟ آن ہمہ مباحثات مجلس در حق شاہا برای چه بود؟ شاہا چرا بطهران جلب شدید؟ با کدام دستورالعمل ازطهران خودرا بشیراز رسانیدید و پس از ورود بشیراز چہا کہ نکردید؟ شاعرادہ ظل السطان چرا و باصر کہ شاہا را از ایران طرد نمود، چہ طور شد کہ بمجرد حرکت شاہا از شیراز انقلاب سہ سالہ فارس آرام گرفت؟ پس از انہدام مجلس و برچیدہ شدن اساس مشروطیت کی و بچہ خیال مجددا شاہا را بپارس دعوت نمود؟ آیا میتوان این مطالب را مستور داشت؟ آیا بر این اداره ملی ہم میتوان امری را مشتبہ نمود؟

با کمال جگر سوخته کی از شاہا سؤال مینمائیم آیا حالا کہ بقول خود بیرق عدالت خواهی بلند کرده اید، دستہای آودہ بخون ذریہ رسول سید احمد معین الاسلام و حجت الاسلام حاجی شیخ محمد باقر اصطہیاناتی شہید رابع را شستہ اید؟ آیا بچہ خودرا از خونہای پاک ذراری رسول اللہ در لار و غارت چندین کرور اموال و پردہ دری صدہا ابتکار و بی ناموسی ہائیکہ قلم از بیانش شرم دارد پاک کرده اید؟ آیا آنچه نوشته شدہ قابل انکار هست؟ آیا تعلیقات آیت اللہ محلاتی و جوابہائیکہ خود شاہا دہ اید و در جبل المذین عیناً درج شدہ در تصدیق این مطالب کافی نیست؟ آیا شاہا در جنوب چہکار کتر از رحیم خان در شمال کرده اید؟ آیا مأموریت شاہا در جنوب و رحیم خان در شمال یک سان نبود؟ آیا رحیم خان در مجلس مقدس ملی اطہار مشروطہ خواهی نکرد؟ مگر بعد از فرار از طہران در انجمن تبریز نیامد و قسم یاد نکرد و اجازہ خدمت حاصل نہ نمود؟ آیا بچہ قسم میتوانید این حقائق را مستور دارید؟

اما جواب اینکہ خدمات شاہا جالب توجه اولیای دوات و ایالت مشروطہ خواہ گردیدہ، باد دانست

کہ تکلیف ایالت و اولیای دولت دیگر و تکلیف این اداره ملی کہ مؤسس این اساس سعادت و محبتی این بنیان شرافت میباشد دیگر است، در مشروطہ خواهی اولیای دولت و ایالت جلیلہ ہیچ جای سخن نیست ولی نہ ما ایشان را معصوم و غیر خطای میدانیم و نہ این اداره ملی موظب بہ تقلید آنان است، نہایت چون ضامن امنیت مملکت و مسؤل نزد ملت درین موضوع اند آنچه فرمایند ~~کہ~~ زیان باستقلال ایران نداشته باشد اعتراض نخواہیم کرد و آنچه فرمایند مبنی بر مصلحت و صلاح مملکت خواہیم دانست، ولی این مراتب کفارہ گناہان جنابعالی نمی شود و زنگہای تاریخی را نمیزداید ہرکس در عقیدہ آزاد است، من بوجدان انسانیت سوگند یاد نمودہ و یقین دارم کہ خودتان ہم تصدیق دارید کہ اعضای این اداره ملی ہیچ گونه غرض شخصی با شاہا ندارند، دامان پاکشان منزہ است از اعمال اغراض آہم نسبت بشاہا

ولی بارہا گتہ باز ہم میگوایم کہ تا یک نفر از خانوادہ قوای در شیراز باشد امنیت فارس امتداد پیدا نتواند نمود ما نمیگوایم کہ آنها از ایران خارج شوند بلکہ میگوایم در خور مقام و ایافتشان دو شہال ایران مأموریت دهند ہرکس در دورہ قاجاریہ تاریخ انقلاباتیکہ در فارس پیش آمدہ بہ نظر دقت بنگرد کلام مارا تصدیق خواہد کرد کہ در نہ عشر انقلابات فارس با دست این خاندان شامل بودہ یا ظرف خود شان بودہ اند و تا وقتی ~~کہ~~ قوانین مشروطیت از روی صحت نضج نگیرد و استقامت حاصل نکنند و ایالت فارس از شخصی بہ نوعی کاملاً تبدیل نشود و ہمارہ یک قوہ قاعرہ در فارس برقرار نیاید کہ قادر بر جلوگیری ہر گونه انقلابات باشد باین عقیدہ باقی خواہیم بود

سخن را باین جملہ ختم می نمائیم ~~کہ~~ اگر جناب نصرالدولہ از صمیم قلب باختیار نہ اجبار کر خدمت بمشروطیت را بپیمان بستہ چشم ما و ہمہ وطن خواهان روشن، ولی باید بدانند کہ الزامات واردہ بایشان از دو طریق است — یکی پلتیکی و دیگری دیاتی، بر فرض دولت و ایالت صلاح ~~کہ~~ دیدند کہ از جراثیم پلتیکی شاہا در گذرند، اما ہم ~~کہ~~ مناسبانیکہ قبل ازین نوشته ہمہ ساکت شدند ولی تا

رفق کہ حکم رفع تصیرات شا از مقام منبع ریاست روحان اسلام صادر نگردد خدمات شا جالب توجه ملت نتواند گردید، بدبختانه گویا شا ملت را عبارت از چند نفر حیدر حیدر گویا شیراز تصور نموده آید. آیا خود تان واقف مستبد فرمایشاتیکہ رؤسای روحان در حق شا نموده و احکامیکہ از مقام منبع ریاست روحانی در حقتان صادر شده، بی اگر واقف بودید در تلگراف خود لفظ ملت را نمیکنجایید علاوه بر این ملت هنوز نکارشات جرائد دورہ اولیہ مشروطیت را در حق شا ہا فراموش نکرده و مخبرات تلگرافی از میان نرفته مباحثات مجلس مقدس محو نگردیدہ است، پس باید اول از مقام منبع ریاست روحانی رفع تصیرات دیاتی خود را بہ نہاید و اگر نموداید خوشا بسعادت شا۔ خوب است مارا ہم آگاہ نہاید۔ و ما علینا الا البلاغ

✦ اخبارات خارجہ ✦

نی بموجب تلگراف (س۔ دنی) دوازده ہزار حملجات معادن زغال (سیوکاری۔ و مثلن) دست از کار کشیدہ اند، درین کشمکش تجارت ہشم و گندم را نقصان رسیدہ و چنان امید میرود کہ از ژاپون زغال بدست بیاید

نی امروز در مجلس اعیان انگلستان مرسری مسودہ بودجہ قرائت شد

نی (ستر ہالین) ضمن فطوق خود در (گادمال) بیان نمود کہ قشون بری و بحری را کمال اتفاق است

نی از تلگراف پاریس چنان ظاہر می شود کہ حکومت مصر تصفیہ نموده است کہ تحریکات کبیثہ نہر سویز را من باب برخی مراعاتہا نامنظور نماید و درین موضوع در آیندہ هیچگونہ رعایتی منظور نتواند شد

نی امروز (دیوک فراند فرڈیتد) با زوجہ شان وارد برلن شدہ امپراطور با کمال گرجبوشی ایشانرا پذیرائی نمودند

نی بموجب تلگراف (س۔ دنی) بواسطہ دست کشیدن حملجات معدن از کار، زغال در بازار یافت شد و جوب ہم قیمت بسیار گران، ازین رو طعام دو وقت خود را یک وقت می برند

نی حملجات معدن سدن کہ دست از کار کشیدہ

اند در تأیید خود بمملجات معادن ژاپون تلگراف نموده اند

نی دلی میل می نویسد کہ پارلمان انگلیس دہم جنوری بند خواهد شد

نی در مصر حاقی کہ بالغ بر دہ ہزار نفر از زن و مرد بود یکی از حبشیان را کہ با یکی از دختران بلجیر زما نموده بود آتش زدند

نی سندات استقراضی دولت عثمانی صدی ہشتاد و نہ بفروش رسید

نی انعقاد پارلمان انگلستان تا بیست و سوم شہر حال موقوف گردید، پارلمان انگلستان قانون اراضی آبرش را کہ در مجلس فوق العادہ ترتیب شدہ بود با دوہست و نہ رأی بہ مخالفت پنجاہ و چہار رأی منظور نہ نمود

✦ ترجمہ اخبارات خارجہ راجعہ ایران ✦

وقایع سکار پاتری می نویسد۔ سوارایکہ در تعاقب دزدان جن۔ وہی فرستادہ شدہ بود تا کنون مالدای غارتی را باز نگرفتہ اند (گویا عرصش نواح بندر عباس باشد) و مشغول اند باخذ راہ داری در نواح بندر عباس

قوام الملک کرمان رسید و تا کنون حادثہ بزرگی پیش نیامدہ است بسیاری از مدیجین ساعی اند کہ مردم را از اطاعت حکومت جدید باز دارند

فخرالملک حاکم عربستان وارد شوشتر گردید و مشغول انتظام و اصلاح امور است و چنان معلوم می شود کہ اگر قشون ساخوی در عربستان نگذارند جلوگیری از اعراب دشوار خواهد گردید اخباراتیکہ از بوشہر میرسد اطمینان بخش نیست و هنوز اهالی وکیل طهران را متعجب نہ نموده چہ خیل الاتشان در مادہ دولت جدید خوب بدت و چنان گفته می شود مجلس ہمینکہ منعقد گردید اول کاری کہ بکند امکاک کارہای مملکتی خواهد بود و ہر یک از وزرا را در همان ادارہ مخصوص خود مسئول قرار خواهد داد و نگرانی تامہ بر آن خواهد داشت کہ بدون مداخلہ دیگران انجام کار خود بدهد

خواہشات ملاہا و اقدامات آمان ہیئت وزرا را بصورت پسندیدہ خامر نماید امید است کہ مجلس وزرا را ننگاہداری نموده ملاہا را فہاندہ

تا کارها از روی صحت پیشرفت کند

منظره طهران سینه منظره اسلامبول را پیدا کرده بعد از اعلان مشروطیت ملاها بتازگی يك اخبار روزانه مذهبی در طهران اشاعت داده‌اند ، اهالی طهران بسیار کم راسخ العقیده بملاها معلوم می‌شوند و دارد روز بروز نفرت مردم از ملاها زیاد می‌شود بایدگفت که دوره ملائی در ایران رفت که دوباره باز نیاید

طمس لندن سوم نومبر می نویسد حالا دیگر برده پوشی از واقعات جنگداز اردبیل نمیتوان نمود آنچه بتازگی خبر رسیده شهر اردبیل را سواران شاهسونی با سواران قرچه‌دای در تحت امر رحیم خان محاصره کرده اند و معلوم نمی‌شود حکومت بتواند شهر را محوط دارد ، ستارخان پس از آنکه قورخانه‌اش تمام شد از اردبیل خارج شده و حکومت را اطلاع داد که قورخانه مدافعین تمام گردیده است ، در شهر و این قونسل روس و چند نفر روس و شصت نفر قزاقان رعیت روس و یکصد و بیست قزاقان روس برای محافظه قونسلخانه موجود است ، برای محافظه رعایای روس این جمعیت قزاقان کافی شناخته می‌شود ولی مقتدر بر حفظ شهر نمیباشند ، دولت جدید کمال سی را دارد که امنیت را در آن نواح برقرار نماید و دو هزار قشون که شامل است در آن قزاقان ایرانی و سواران بختیاری و دوطلبان ملی و سرباز و سوار با شش توپ که در آن مکسیم است روانه نموده

(مسیو ابرم) که مدیر نظمیة طهران و رئیس محامدین قفقاز بود بسرمداری مجاهدین دو طلب روانه شهاب اردبیل گردید ولی این اردو مشکل است تا چند هفته با ردبیل برسد و تا آنوقت کار شهر یکسو شده است

خزیه خالی و تقاضای وجه برای انجام مهمات جنگی زیاد است ازین رو میتوان گفت حکومت جدید مجبور است که تدارك قرضه به نماید و اگر تدارك بها ، بشود ممکن نیست این اردو بمنزل مقصود برسد

افسواه است که اقدامات رحیم خان بهواداری

طرف محمد علی است و حرکات او برخلاف دولت جدید میباشد ولی این اف- واه به تصدیق رسی نه پیوسته است

من باب محافظه مال و جان روسها در اردبیل برحسب را پورتهائیکه به پترسبرگ رسیده دولت روس در این موضوع مذاکره مینماید که آیا قشونی با ردبیل فرستد یا نه

بموجب خبریکه رسماً بطهران رسیده اردبیل را بائیان متصرف گردیدند- دولت روس بطریق نیم‌رسی در پترسبرگ دوم نومبر اعلانی ازین قرار داده است

فرقه های شامسون و قرچه دای که مقامشان قرب سرحد قفقاز است تصفیه نموده‌اند که به نایب شاه مخلوع مسلح شده و اردبیل را محل تهاجم خود قرار داده و شهر را متصرف شوند ، نظر بخوفی که بر قونسلخانه و رعایای روس در آنجا می‌رود و به تصدیق آنکه قشون روس که در تبریز میباشد نمیتواند فوری با ردبیل برسد لذا دولت روس تصفیه نموده که محافظین و این قونسلگری خود را در اردبیل زیاد نماید و عاجلاً از دسته فوجی که در سرحد قفقاز هستند نه از دسته هائیکه در تبریز و قزوین میباشد به اردبیل فرستد چه نقل و حرکت قشون از مقامات مذکوره موثر تأخیر است

بموجب تلگرافیکه از تبریز به پترسبرگ رسیده ستارخان که از اردبیل معاودت نموده به (سرآب) وارد با اینکه درین مأموریت از عهده خود بر نیامد مع ذلک اهالی او را با کمال احترام پذیرائی نمودند

اخبار (نویوریچیا) که زمان خارجه روس و هماره تأیید مسلک روس را در شمالی ایران می‌نماید در چهارم نومبر با منتهای سختی و درشتی الفاظ میتویسد که اروپائیان در مسائل راجعه با آسیا ابدآ واقف نمیداشند و حکومت ایران فقط نامی بیش نیست و خدمات آنها منحصر در این است که نمایندگان خارجه را پذیرائی نمایند و ادرس تقدیمشان کنند و واقعات کنونی ایران تصدیق می‌نماید که قشون روس از قزوین حرکت نخواهد کرد و در اردبیل نیز قشون محافظ قونسلگری زیاد خواهد گردید ، این خارجه

مجدد اخبار مذکور مینویسد که واقعات و پیش
آمد های ایران مارا مجبور می نماید که حاصل تمام
عهده های لازمه را برای انتظام نه اداره گردانی
چه قرب ما بایران درین گونه اقدامات مارا مجبور می دارد
اخبار مذکور زمزمه تازه آغازیده مینویسد که
دولت ایران باید معارف این لشکر کشی را بدولت
روس بدهد

اصلاح - توجه از ادوکت آف اندیای بمبئی
نموده چنین مینویسد :-

روتر امروز اعلام مینماید که شاه جوان پارلمان
ایران را باز نموده ، فقط تا همین اواخر اخبارات
وارد از طهران بدین مضمون بود که ملتیان شك
داشتند در اینکه مجلس قبل از آخر انجام انعقاد یابد
زیرا که بعضی از وکلاء وارد پایتخت نشده بودند ،
در تاریخ ایران نو امروز خیلی خجسته و
فرحتمه میباشد و جای دارد که بقم سرخ
نوشته آید چونکه دوره جدید هر چند تا
اندازه بواسطه خلع شاه ماضی آغاز و افتتاح یافت
ولی حالا بواسطه اجتماع مبعوثین ملت در پایتخت
سلطنت رسماً صورت وجود مییابد ، انتخاب وکلاء
بر وفق قوانین مشروطه انجام یافت و بجهت چند
اعتقاد داریم که مجلس جدید برای اجراء اصلاحات
شوق و رغبتی وافر دارد و گویا آتش غیرت در
کانون سینه اش مشتعل است ، اما هنوز برای
ایران ورطه سختی است چرا که ملتیان نه تنها باید
از جهالت مردم با مشکلات بزرگ دوچار شوند
بلکه بایست با تحریکات آشوب طلبانی که مذکور
است از شاه ماضی و ظل السلطان بول میگیرند مقاله
و مجادله کنند ، در طهران این قهقهه بزودی رسوخ
یافته که بعضی مفیدین هم در شمال و هم در جنوب
ایران مشغول کار اند و بعضی سرکشارا بطرف خود
حکشانیده اند و از مساعدت و کمک آنها همچو
امیدوار هستند که استقرار حکومت صحیحه در ایران را
یکلی محال سازند ، الزم و اهم ضروریات ایران در
این دقیقه حایله همان اعاده نظم است و امید میرود
که مجلس بالاعل سایر امور را کنار بگذارد و عملیست
مؤکده برای دفع سرفقت و چپاول بکار برد ، یک
از مزایای حکومت جدیده اینستکه از عمده اصناف
ملت شویبت و معاوتت مییابد و اگر پیش از آنکه

بسیار کارها آلوده شود فقط اقدامات مائتلافه برای
انتظام خانه خود بکند هیچ علقی نیست که چرا
مشروطیت بهمان نحویکه در ژاپون مفید افتاد در
ایران فایده ندهد و ثمرات نافه نبخشد ،

این خبر که قشون امدادی روس باردیل
فرستاده شده مستحسن نیست زیرا احتمال نمیرود که
بودن اردوی بیکانه در قطعه ایران موجب حصول
امنیت شود ، هر چند در اردبیل چپاول سختی
بوقوع رسیده و فقط همین قهره ممکن است که
اقدامات روس را در این خصوص جایز بدارد ولی
شبهه در این است که در تبریز و قزوین که حال
هیچ خطری برای نفوس و اموال روسیان نیست
انقاء عساکر روس لازم باشد ، خیلی مناسب و
بجا است که ملتیان ایران جبهه برقراری قانون و
نظم یک فرجه درستی بیابد ولی شك و شبهه در
این است که آیا حضور قشون بیکانه در مسافت
هشتاد مایل دور از مجلس شوری ملتیان را از
مخائب خارجی که برای ترتیب امور لازم است
آسوده و فارغ میدارد یا خیر ، تاکنون ملتیان
یک اضطباط مستحسن و بمدوحی را معمول داشته اند
و مناسب چنین است که در آینده برای اختلال
امنیت هیچ عذری باقی نماند ، مایه اعتبار رؤساء
ملتیان در ایران این است که هرگز نفوس و اموال
خارجی در مدت بلوا خطری نیانته و نذر برعایت
امنیت لازم است که حتی کوچکترین آثار مداخله
خارجی مرتفع گردد

تذکرات روتر راجع بایران

(۲ ذی قعدة - ۱۶ نومبر)

مخبر روتر از طهران خبر میدهد که دیروز
شاه افتتاح پارلمان نمود ، سپهبدار نطق رسمی را
قرائت کرد ، و اتحاد دوستانه و حاضمانه دول را
اظهار و ضمناً بیان کرد چیزی که در دوت نازیبا
نمایان است همانا موجودگی قشون خارجه در ایران
میباشد و امید ظاهر نموده که عاجلاً خارجه قشون
خود را طلب خواهند نمود

(۳ ذی قعدة - ۱۷ نومبر)

بوجب تلگراف پترسبرگ بیروان رحیم خان
بعد از گفتگوی زیاد بحدودی خود اردبیل را رها
نمود ، شهر و قلعه را بحفاظت روسیان سپرد ، تا

زمانیکه حکومت وارد شود

(۷ دی قنده - ۲۱ نومبر)

و حسب تلگرافیکه از طهران رسیده
مستشارالدوله ماخواب وکلا رئیس مجلس مقرر گردید
مسئله استقراض موضوع بحث مجلس آمد وکلا
مخالف الرای طاهر می شوند و حی را رای این بوده
که استقراض از روس و انگلیس بشود بعضی را
عقیده این شده که استقراض توام از دولتی مافی
استقلال ایران است

و حسب براتستیک گمرک درین سال روان
واردات ایران (۶۹۲۳۴۹۰) لیرا و صادرات آن
(۶۰۶۳۳۲۰) بود ازین براتستیک طاهر می شود که
سال روان فی صدی یازده کسر در تجارت ایران
پیش آمده من جمله واردات انگلیس (۲۷۶۶۰۰۰)
و روس (۲۳۲۳۷۰۰) بوده و صادرات ایران بمالک
انگلیس (۶۳۱۸۰۰) و روسیه (۴۲۷۱۷۰۰) لیرا
قلم آمده است

حبل المتین

ما از صمیم قلب در حسن انتخاب رئیس مجلس
وکلای دارالشوری را تبریک گفته امیدواری خود
مان را بحس پیش آمد مجلس ازین حسن انتخاب
طاهر میبایم ، و جناب مستشارالدوله که الحاق مورون
ترین وکلا برای ریاست مجلس اند تبریک میگویم
من باب استقراض چون از مقدار و چگونگی
آن درست واقف نمیشیم موقتاً رأی خود را محفوظ
میداریم ولی هم قدر میگویم که یا معاهده دولتی
روس و انگلیس و تقسیمات جغرافیائی یا تعیین منطقه
بود در ایران قرضه توام از آمان مافی استقلال
ایران در آئینه تصور می شود خصوصاً با شروطیکه
ما طالبند بایران قرض دهند ، واقفان رموز
حیداسد که این گره رقصانه های سه ساله دولتی تمام
رای ریختن یک قرضه توام محقق ایران بود ، در
دوره اول مجلس رضا بچس استقراضی نداد و اگر
درین دوره مجلس رضا دهد درین اول و هله
یکدفعه قلوب ملت را از خود مشمئز خواهد ساخت .
و باید دانست که تمام خوف دولتی مبنی بر آن است
که مبدا ما از آلمان یا بواسطه او از دول دیگر
استقراض نایم گویا اگر مجلس چند صباحی در
استقراض دست نگاهدارد اولی است

تلگرافات

(۲۸ شوال - ۱۲ نومبر)

۸ در لندن جبهه قیام شاگردان مدارس قریب
(رعیت پارک) مهبانخانه بزرگی افتتاح شد
موسوم به (اوریت لوج)

(۲۹ شوال - ۱۳ نومبر)

۹ در کارخانه ریسان تانی (هرست) امروز
حزینی واقع و (۲۵۰۰۰) لیرا تصان وارد شده است
۱۰ سفير آلمان (کاوت متیرش) در مجلس تجارتي
(منجست) ضمن نطق خود اظهار داشت که دولت
آلمان زودی توجه به این تجارت خواه انداخته و
من یقین دارم بین دولتی آلمان و انگلیس اتحاد
بر مرید خواهد گردید و نتیجه این صلح و امنیت
عمومی و ترقی تجارت خواهد بود و معاملات پلتیکی
واسته به تجارت است

(۳۰ شوال - ۱۴ نومبر)

۱۱ در (برستل) (لارد چارلس برنورد) ضمن
نطق خود اظهار داشت که دسته جهازات جنگی
برای جنگ بکلی آماده نیست
۱۲ روزنامه جات رسمی آلمان با کمال مسرت تشکر
از جراند انگلیسی مینمایند که آنها با همدردی تمام
بر مسئله اتحاد دولتی آلمان و انگلیس بحث می
کنند و می نویسند که نطق های (مستر اسکویت)
در (هرورن برک) مآثر عظیم طاهر خواهد بود
و ترقی در اتحاد خواهد داد

(غره ذیقنده - ۱۵ نومبر)

۱۳ از (بوئینیوس ایریس) تلگرافی رسیده که
یکی از انارشیست بر کالسنه ناظم پلیس نارنجیک
انداخته ناظم و متنی او را هلاک و بعد خود را
شلیک کرده ولی امید است که هلاک نشود
۱۴ اعلیحضرت سلطان محمد خامس سلطان عثمانی
امروز مجلس شورای ملی را افتتاح ، و در ضمن
نطق رسمی اظهار فرمودند که خدمات لشکری را
حییع رعایا مستحق خواهند بود لازم است که بنوع
احسن قشون بری و بحری آراسته شود تا قیام
امنیت و صیانت مملکت بخوبی حاصل آید - باذوله
خارجیه متعدهیم ، در بودجه مملکتی کی (۴۴۷۷۸۰۷)
لیرا اندازه شده است

(جل الثین کلکتہ)
(مدیکل کالج استریت نمبر ۴)

HAKULI MATIN OFFICE
4, MEDICAL COLLEGE STREET
CALCUTTA.

(کلیه امور اداره با)
(مدیر کل مؤید الاسلام است)
(هر دوشنبه طبع)
(سه شنبه توزیع میشود)
(یوم دوشنبه)
(۱۵ ذیحده ۱۳۲۷ هجری)
(مصادف با)
(۲۹ نومبر ۱۹۰۹ میلادی)

و کلا حق اخذ ابرو بدون قبض ندارند و تالیق که
(مشترکین و بعضی مخصوص سال هفدهم دست نیا شد)
(ذمه شان بری شناخته نمیشود)

نامہ مقدسہ

الہیات

سنہ ۱۳۱۱

مراسلات خصوصی بدون امضای

(معروف اداره درج نمیشود)

(قیمت اشتراک)
(سالانہ — شش ماهہ)
(هند و برمه)
(۱۲ روپیہ — ۷ روپیہ)
(ایران و افغانستان)
(۴۰ قران — ۲۰ قران)
(عمانی و مصر)
(مجیدی — ۳ مجیدی)
(اروپا و چین)
(۳۰ فرنگ — ۱۶ فرانک)
(روس و ترکستان)
(۱۰ منات — ۶ منات)

جناب مستطاب ابواللہ آقای حاجی مهدی آقا
(کوزہ کتانی سلمہ اللہ)



حاجی حقیقی معروف طوت - هرک صادق ملک - یکانہ فرزند ازباجان - چار ہیئت نثار ایران
کسانیکہ از واقعات رولوسپیون های عظیمة عالم مطلع و مستحضر اند میدانند کہ بهترین امتحانات در همچو ورطہ ہا برای حصول آن مملکت
ہیست است کہ در استمرار مشروطیت از بدل مال و حال فروگذار نکنند و هرکس کہ بخوبی از این امتحان برآمد تمام المراد ملت مرہون احسان
و مدیون امتنانش باشند چنانکہ تمام ملل متمدنہ دنیا قدر و قیمت این کوزہ محترمین را بخوبی دانستہ و ملحقان تاریخ را بتوصیف و مجید ایشاق
خرن دافقہ اند - با قوت قلب میتوان گفت کہ در نجات ایران جناب حاجی مهدی آقا کوزہ کتانی اول کسی است کہ از بدو مشروطیت خدمات
ذی قیمت بملک و ملت خود نموده و تا دقیقه آخر از عہدہ آن امتحان برآمد و آن سعادت عظمی را برای خود حاصل نمود - تشکیل کمیاتی الصادہ ہو
تجزی از حسن کفایت این شخص مقام بود و در آغاز مشروطیت چهارالیہ اول کسی از سلسلہ نجات است کہ کرمیت را بہ عسقرت عدالت برمیوان
ہست و اگر او اقدام برافق ہولوسولخانہ الکلیس میکرد آمدی از ارباب نفوذ متابعت و موافقت نمی نمود - بعد از ہدم مجلس ہم معزری الیہ نخستین
مخالف استبداد و سامی در تاسیس اساس عدالت بود لذا وجوہ مفتشش مفروض مستبدین گردیدہ چندی فقرہ ہاداء و اعتراض پرداختہ حق توجیہ قتل و غیرا
ہم دیدند عمدتی کہ دشمن جای عدالت طلبان بود خیلی کلا نمود اورا سدمہ بزند تا اینکه اسم و را در چهار تقری کہ لیل الفرائض خود در تجریز
مہدائیت حاصل نمود ولی الطاف الہی و حقانیت این نیست از حصول آن حامل مالغ آمد و بعدالہ پشمنی و حسن نیت این ابواللہ پرفساکسی و
تلاش ابواللہ پور پند و حق پر طفل طالب آمد - جناب حاجی مهدی آقا سلمہ اللہ بعد از آن ہم خدمات فانی و فداکاریهای بی پایان کہ ہو
رای عدالت خود با خون گریں الہی بریز پنجمین ملی پر عسقرت مفاسد مشروہہ اکتفالی دارد و تا کلا سلسلہ سدا

استقامت رافع اغتشاش

(و خود باختگی داعی اصطلاح است) و اقنان رموز اغتشاشات کنونی ایران را لازمه چنین انقلاب عظیم دانسته رافع آن را هم استقامت ندانسته اند - مشروط بر اینکه ملت و دولت ایران مانند کوه سنگین در جلوسیل اینگونه حوادث استقلال ورزند، درین موقع بر سیل اجال چند نکته را خاطر نشان آباء و مان نموده تا بر سیل فصیل در مواقع دیگر شرح و بسط دهیم

باید دانست اغتشاشات کنونی جنوب و شمال نیست برورده همایکان است، رفق افسر روسی به اهرم و گرفتاری رحیم خان نیم مرده و دستورالعمل دادن بوی و رها نمودن او و سپس قیام رحیم خان و آمدن در اردبیل و با سه هزار نفر محاصره و ایس قونسلگری روس و ورود قشون روس از سرحد قفقاز باردیل و مفرق شدن پیروان رحیم خان و مقالاتیکه اخبارات روسی درین موضوع نوشته و اعلان نیم رسمی روس که رسمیت میداد مخالفت رحیم خان را بر علیه دولت جدید و حمایت محمدعلی و - و - و از مسائلیست که ادا قابل الانکار نمیباشد و هرکس که اندک حس سیاسی داشته باشد میداند که این آب از کجا گل آلود گردیده - همین که بطری بجنوب اندازیم می بینیم برادر کوچک رحیم خان و دست چپ محمدعلی (ناصرالدوله) یک مرتبه برخلاف جمیع قوانین دنیا بوکالت قونسلگری روس نامزد و چون حکومت تازه وارد می شود از خدمت روس ظامرا استعفا بمخدمات ملی قیام وارد مشروطه خواه و حامی دولت جدید میگردد و بهمین تدبیر دشمنان خود را برانگیخته برای خود هم موقع اغتشاش بدست می آورد و برای تکمیل ماده فوسل انگلیس در فهایدن صولت الدوله مأمور می شود (مثل اینکه مستر مکنل سفیر انگلیس در سال هزار و دوست و پنجاه پنج برای فهایدن یارمحمد خان از محمدشاه اجازه حاصل کرده ببلعه هرات رفت و همین واقعه هم در زمان ناصرالدین شاه عیناً تجدید شد) و بهمین تدابیر آتش افروخته می شود در جنوب و شمال که دودش اتق سعادت ایران را تاریک می نماید و سپس در جراند خود گاهی ملت و دولت را تهدید بعود محمدعلی نموده عدم صحت خلع او را موضوع بحث میدارند و سرکشان و هواداران سالارالدوله و ظل السلطان را درعودنشان بازان قوی دل می سازند بلکه دعوت باغتشاش می کنند (چرا؟) بواسطه آنکه مقاصد سیاسی خود را

طبق معاهده خویش و برای یسرفت این مقصود طرق چند اتخاذ نموده - اول ریختن قرضه توفی بخلق ایران که بذریعه شروط آن بقصود خویش مائل آیند. برای قبولادن این راهها اتخاذ شده از قبیل تکلیف بسوق عسکر و خواستن غرامات غیر قانونی و پریشان داشتن حواس کابینه و مجلس و مرج و مرج داشتن مملکت و - و - و

چاره این امور منحصر باستقامت و استقلال و ترک خود باختگی است، ملت و دولت ایران باید بدانند که بردباری و استقامتشان رافع این تشبثات است، ایرانیان باید بدانند که پادیک امروزه عالم مقتضی ملک گیری رای هیج دولت در هیچ نقطه خاصه مرکزهمی مانند ایران باقی نگذارده، ایرانیان بدانند که همسایکان شان نمیتوانند کنی از خاک ایرانرا تملک نمایند، ملت ایران باید مطمئن باشد که تشبثات و هیاهوهای خارج، باسم مدیان دروین سلطنت تمام بر اصل و اساس و محض حواس باختگی آنهاست، منتها قدرتشان این است که با دستهای داخلی که دارند برخی اغتشاشات بی پایه و پایه در مملکت انداخته بلکه در این میانه بهرام خویش مائل آیند و این تشبثات در مقابل استقامت و استقلال دولت و ملت دارای هیچ ثبات و دوامی نمیباشد

وکلاهی ملی بدانند که مقام منبع آنها امروزه بسیار نازک است با منتهای مراعات نزاکت بین المللی نباید زیر بار تکالیف ایران و ایران کن همسایکان بروند هرگاه امروزه مجلسیان حواس خود را باخته و به تکالیف همسایکان تن در دهند استقلال ایران را باخته اند و بدون آنکه در پارلمان سخنی منافی با نزاکت بین المللی گفته شود اول اندیشه و آنکس گستاخ را باید اختیار نمایند و کلا باید بدانند که پارلمان یک گونه دارای رسمیت است سخنی که در او گفته می شود خیلی باید با اندیشه باشد، خرابی مجلس در دوره اولیه بیشتر بواسطه سخنان بی اندیشه داخلش برخی و کلا بود البته باستقراض روس و انگلیس رضا ندمند ولی در مجلس این سخن هم گفته نشود که استقراض از روس و انگلیس ماحی استقلال ایران است که به نزاکت بین المللی برخورد و همسایکان را به برخی اقدامات وادارند نه از آنها بگیرند و نه این حرف را بزنند و باندازه مصلحت سازند که خود بخود مطلب از میانه به پرد چنانچه سکوت امیر افغانستان در جواب حکومت هند من باب معاهده روس و انگلیس مطلب را از میدان براند و کلا و وزرا باید بدانند که اندک استقامت آنها در جلوسیل حوادث کنونی رافع جمیع غوائل را خواهد